

مِتِ قَدِیما

گزارش ویژه از چهارمین جشنواره نوروزی روستای محمدآباد



گل سرای آویشن



جعفر آبادی

انواع گل های طبیعی و آپارتمانی
دسته گل، گل آرای، سبد حنا، ماشین عروسی

با تخفیف ویژه برای اهالی روستای محمدآباد

گرگانچدید اول، پایین تر از مسجد قائم تلفن: ۲۲۴۳۸۴۱، ۰۹۱۱ ۳۷۵ ۷۸۱۵

فروش ویژه انواع:

مایع های شوینده، دستمال کاغذی، آبلیمو و



ناصری؛ ۰۹۱۱۵۱۰۱۹۷۶

تحويل درب منزل



فروشگاه هدیه

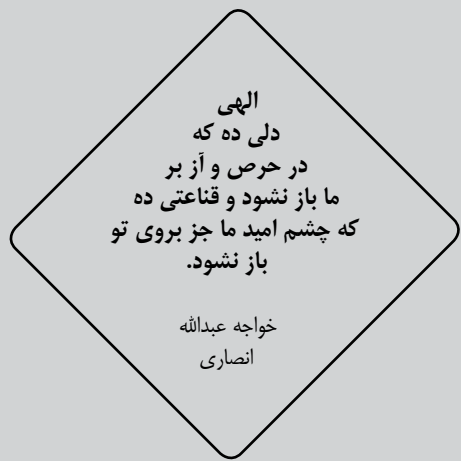
انواع اسباب بازی، بدلیجات،
آرایشی، لوازم التحریر و

کاپس، کش سر، کش مو، تل
گل مو، برس، شلیون و

تمامی اجناس زیر قیمت بازار گرگان

آدرس: محمدآباد، جنب لوازم خانگی روستا

با مدیریت: مازندرانی



ناور
نشریه داخلی کانون فرهنگی شهید
مکتبی روستای محمدآباد گرگان
زیر نظر دبیرخانه کانونهای فرهنگی
و هنری مساجد استان گلستان

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۲۲۰۰۰۰۶۵
وبسایت: navaronline.ir
باشگاه خوانندگان: bkhnavar.ir
پست الکترونیک: info@navaronline.ir



عکس: جلال علی خورشید کارایی

۳-۴-۵ یادداشت

۷-۸-۹ اخبار روستا + سابقه عکس

۱۰ دست هایی که می بخشد

۱۲ مسابقه ی ...

۱۳ جشنواره نوروزی

۱۴ مٹ قدیما

۱۶ دراج

۱۸ بذار بچه ها راحت باشن

۱۹ مال ... تفریح سالم



۲۰ گفتگو با ناجی نمونه کشور

۲۲ کندس شاه

۲۴ درختکاری



ردم

مدیر مسئول: رمضانعلی حمزه ای

زیر نظر شورای سردبیری

هیأت تحریریه: محمد حمزه ای، صادق ناصری، کریم محمدی، محمد عباسی، سید ابوطالب حسینی، ابوالقاسم سالاری، علی خورشید کلایی، مجتبی مازندرانی، محمدجواد عباسی، محمدرضا خورشید کلایی، مسعود حمزه ای، محسن حمزه ای، ابوالفضل کلاته میمری، فاطمه محمدزاده

در دنیای مجازی پیگیر ناور باشید

navaronline.ir
news.navaronline.ir

اطلاعات و اخبار نشریه و روستا را در پایگاه ناور و پایگاه خبری محمدآباد پیگیری کنید. همچنین میتوانید نسخه pdf شماره ۵۴ و شماره های قبلی را از این پایگاه دانلود نمایید.

bkhnavar.ir

در باشگاه خوانندگان به بحث و تبادل نظر درباره ی روستا بپردازید؛
مطلب بنویسید تا نویسنده ی ناور باشید.

مطالب منتشر شده در نشریه، صرفاً دیدگاه این نشریه نمی باشد.

سرمقاله

یکی از مهمترین دغدغه های این روزهای اکثر خانواده ها و به خصوص جوانان، مسئله ی کار و اشتغال است و نتیجه ی بیکاری را می توان در مسائل اجتماعی مثل اعتیاد، طلاق، بی بندوباری، دزدی، خشونت، تخریب بیت المال و دید. در روستایی مانند محمدآباد که بیشتر جمعیت آن را جوانان تشکیل می دهند مسئله ی بیکاری بیشتر نمود پیدا می کند. که این روزها در اجتماع کوچک روستایی بیشتر به چشم می آید. در کشور سازمان ها و نهادهای فراوانی برای اشتغال جوانان به وجود آمده اند که یکی از مهمترین آنها سازمان فنی و حرفه ای می باشد. که هدف آن آموزش انواع مهارت ها به صورت رایگان به کارآموزان است که افراد بتوانند پس از فراگیری مهارت و حرفه آماده ورود به بازار کار شوند و به صورت مستقل برای خود ایجاد اشتغال نمایند. مرکز شماره ۱ فنی و حرفه ای گرگان که بزرگترین مرکز فنی و حرفه ای استان نیز می باشد در مجاورت روستای محمدآباد قرار دارد که در آن انواع مهارت ها و حرفه ها آموزش داده می شود که سالانه پذیرای صدها کارآموز (حتی از شهرها و استان های دیگر) است. اما دریغ از یک کارآموز محمدآبادی!!!! تقریباً تعداد انگشت شماری از جوانان محمدآبادی از خدمات کاملاً رایگان این مرکز استفاده کرده اند و می کنند و مطمئناً که اکثر قریب به اتفاق جوانان حتی یک بار هم وارد این مرکز نشده اند. که مایه تأسف بسیار است که ما اهالی محمدآباد با این همه امکاناتی که در اطرافمان وجود دارد از هیچ یک از آنها استفاده بهینه و کامل نکرده ایم و شاید بهتر است بگوییم هیچ استفاده نکردیم؛ واقعاً چرا ما باید اینجوری باشیم؟ چرا باید فقط توی خانه بنشینیم و منتظر باشیم تا یکی از بزرگان فامیل یا روستا بیاید دنبال ما و جایی کار پشت میزی به ما پیشنهاد دهد و ما هم به سختی قبول کنیم و شاید به بهانه ی سخت بودن قبول نکنیم! چرا نباید مثل افرادی که خود رفتند دنبال کار باشیم؟ یک ضرب المثل است که تبتیر مطلب مصاحبه با یکی از افرادی بود که خودش به فکر بود، «کس نخارد پشت من / جز ناخن انگشت من». تا ما به فکر خودمان نباشیم، هیچ کس به فکر ما نیست، هرکسی مشغول کار شخصی خودش است، پس ما باید از الان به این فکر باشیم که بریم دنبال کار و حرفه ای که علاقه داریم یا شاید کمی هم ذاتی ازش بهره مندیم تا بعداً در زندگی و ازدواج و کار و مشکل نداشته باشیم و بتوانیم حداقل شخصاً مشغول به کار شویم و آینده را روشن تر و بهتر کنیم حداقل برای شخص شخیص خودمان. امیدواریم همه از امکاناتی که در اختیار و در اطراف ماست بهره ببریم، بهره ای شاید کم اما حداقل در حد و اندازه ای که به آینده امیدوار باشیم.

یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم

آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم

ماموریت غیر ممکن

محسن حمزه ای

نشریه ناور جهت جذب نویسنده ی جدید همیشه دعوت ها و فراخوان هایی گذاشته که متأسفانه تا این لحظه هیچ استقبالی نشده؛ و از جایی که جذب نویسندگان جدید برای ناور در اولویت بوده، بخش اینترنتی و شورای سردبیری نشریه تصمیم به راه اندازی محلی در فضای مجازی گرفت، محلی که خوانندگان در آن گرد هم آمده و مطالب جدید شان را ارسال کنند و خوانندگان دیگر از آن استفاده کرده و حتی در نشریه ناور هم به چاپ برسند. پیشنهاد بخش اینترنتی راه اندازی باشگاه خوانندگان نشریه ناور بود (که باسختی های عجیب و غریبی طراحی و راه اندازی شد) که در آن هرکس از هر جای دنیا با هر اسمی در آن عضو شود و مطالب خود را ارسال نماید، مطالبی برای چاپ در ناور و مطالبی انتقادی و پیشنهادی در مورد محمدآباد. افراد با عضویت در باشگاه خوانندگان می توانند مطالب شان در وبلاگهایی که در اختیارشان قرار میگیرد بنویسند و در انجمن های مختلفی مثل: ادبی، دیجیتالی، کشاورزی، مذهبی، سرگرمی و که در باشگاه وجود دارد به بحث و تبادل نظر بپردازند و همچنین نویسندگان نشریه ناور می توانند مطالبشان را در وبلاگ خود بنویسند تا مطالب راحت تر و زودتر جمع شه و چاپ نشریه به خاطر دو سه نفر، از خرداد ماه نرسه به آبان ماه!

آدرس باشگاه خوانندگان : bkhnava.ir/forum.php

لطفاً باور نکنید!

ابوالقاسم سالاری

موضوعی که در این مجال می خواهیم به آن بپردازیم، بحث فروش محصولات کشاورزی بعد از به ثمر رسیدن و برداشت آن است که در این نوشتار بیشتر فروش شالی مد نظر نگارنده است. روستای ما بواسطه آب بندان یکی از مناطق مهم در بحث تولید و کشت شالی در منطقه محسوب می شود و به تبع آن افراد مختلفی برای خرید این محصول به روستای ما گسیل می شوند. که بعضاً تعدادی از آنها با برخی از اهالی روستا همکاری کرده و یکی از افراد را به عنوان معتمد با خود همراه می کنند که بتوانند راحتتر معاملات را جوش دهند. هدف از طرح این موضوع فی الواقع این است که در موقع معامله و فروش محصول شالی خود دقت بیشتری شود و با اعتماد بیش از اندازه برای خود و خانواده در دسر ساز نشویم. البته نمی خواهیم کسی را به چیزی متهم و یا سیاه نمایی کنیم ولی به اصطلاح می خواهیم علاج واقعه را قبل از وقوع بگیریم. برای مثال در سالهای قبل فردی با حضور در یکی از روستاهای اطراف گرگان و خرید محصول شالی کشاورزان با قیمت مناسب و بالاتر نسبت به دیگر مشتریان بیشتر محصول سال کشاورزان آن روستا را خریداری کرده و با جلب اعتماد مردم چک های مدت دار به آن ها داد و بعد از سر رسید چک مردم با مراجعه به بانک متوجه شدند که حساب مذکور خالی بوده و فرد مورد نظر کلاهبردار از کار درآمده و هیچ گونه دسترسی به او وجود ندارد. و به همین راحتی حاصل تلاش یکسال اهالی توسط فردی سودجو به بغماریت.

تلاش نگارنده این است که از تجربیات دیگران درس گرفته و موجبات پشیمانی خود را بوجود نیاوریم. امیدواریم که هیچوقت اینگونه مشکلات برای اهالی روستای ما بوجود نیاید. و این فقط یک یادآوری و تذکر برای دقت بیشتر عزیزان بوده و قصد جسارت یا توهین به فرد یا افرادی را نداشته ایم.

حسد

حسادت و آسیب هایی که حسادت ورزیدن به انسان وارد می کند

ابوالقاسم سالاری

بر آن تاکید دارند و معتقدند که دست خودشان نیست و چیزی غیر قابل کنترل است و اینگونه کار ناپسند خود را توجیه می کنند. بخل دل آدمی را سیاه کرده و دوستان را از اطراف انسان پراکنده می کند و بعد از مدتی متوجه می شوی که بواسطه بخل تنهای تنهایی و اگر این امر کنترل نشود، بیشتر و بستر می شود و مثل خوره روح انسان را می خورد. بامید روزی که تمامی افرادی که به این بیماری مبتلا هستند بهبود پیدا کرده و بتوانند به این رفتار ناپسند خود غلبه کنند و با این رویکرد که از افراد موفق اطراف خود درس گرفته و با مشورت با آنها و نیز بتواند خود را آن جایگاهی که می خواهد برساند و به این باور برسد که به جای حسادت سعی و تلاش خود را بیشتر کند و افکار خود را بیشتر به بروز تواناییهای خود کرده تا به جای رفتن به قهقرا بتواند در مسیری درست گام بردارد.

حَسَد در فرهنگ لغت معین به معنی رشک بردن است و زوال نعمت کسی را خواستن، و حسود کسی است که بد دیگری را می خواهد و به دیگران رشک می برد. فردی که نسبت به دیگران حسد می ورزد جز لطمه زدن به خود و درگیر کردن افکار خودش چیزی عایدش نمی شود و به اصطلاح حسادت آتشی است که در خرمن جان آدمی می افتد و اگر مهار نشود روزگار فرد را سیاه خواهد کرد. از آنجایی که افراد حسود معمولاً به افراد موفق حسادت می ورزند پس باید این واقعیت را قبول داشت که فرد حسود با زبان بی زبانی اذعان دارد که فردی که مورد حسادت قرار گرفته از او برتر است و موفقتر عمل کرده البته ناگفته نماند که غبطه خوردن در فرهنگ ما ایرادی ندارد و تفاوت آن با حسادت این است که فرد حسود معتقد است هیچ کس از اطرافیان پیشرفت نکند و با تک تک موفقیت افراد سخت مغضوب می شود ولی کسی که به دیگران غبطه می خورد فرد را در جایگاه برتری می بیند و آرزو می کند آنها نیز به آن جایگاه دست یابند.

ظاهراً حسادت امری است که بوسیله علل و عوامل خارجی بروز و ظهور می کند ولی در عمل و با کمی تأمل و در کمال تأسف می توان دریافت که این یک امر ذاتی است و افراد گاه به صورت طایفه ای و نسل به نسل این اخلاق ناپسند را همراه خود دارند و جالب اینجاست که خود نیز این رفتار ناپسند را قبول دارند و

این ورد درجه جاهایی و توسط چه کسانی استفاده می شود؟ وقتی مصداق های استفاده از این ورد اعجاب انگیز را بخوانید شاید از کاربردی بودن این ورد متعجب شوید و باور کنید که شاه کلیدی است برای خودش.

خدای ناکرده قصد جسارت به کسی را ندارم و لطفاً کسی به خودش نگیرد.

مثلاً کسانی که هیچ وقت حاضر نیستند وظایف خودشان را در برابر خدماتی که دریافت می کنند انجام دهند، وقتی نمی خواهند عوارض حداقلی خرید و فروش چند ده میلیونی زمین کشاورزی و یا مسکونی خودشان را بپردازند که برای آبادانی همین روستا هزینه می شود و یا حتی کسانی که نمی خواهند ۹۰۰۰ تومان پول جمع آوری سالیانه زیاده خانگی شان را بپردازند، یا شالیکارانی که آخر زمینشان سدی درست می کنند و نمی خواهند بگذرانند قطره ای آب از آخر زمینشان برای همسایه پایین دستی جاری بشود و یا آنچنان آب زمین همسایه بالادستی را خالی می کنند که بعد از دو سه روز تبدیل به آسفالت می شود، یا کسانی که نمی خواهند زمینشان میان وال و کنار وال داشته باشد تا خیری به دیگران هم برسد، یا معدود کسانی که حتی حاضر نیستند حق اجاره بهاء آب شالیکاریشان را بدون جر و بحث و محترمانه بپردازند و چیزی که امثال بیشتر به چشم آمده کسانی هستند که می خواهند رویه شالیکاری را تا هر قدر که دل مبارکشان خواست عریض کنند و بدون رعایت قوانین و عرف شالیکاری و در نظر گرفتن قابلیت آب آب بنان و ... به قول خودمان وُر روئه را زیاد می کنند و یا کسانی که بطور موردی و یا دائمی مشغول ماهیگیری تفریحی در روی آب بنان و امرار و معاش و گذران زندگی یا کسب درآمد جهت خرید مایحتاج ضروری خودشان هستند یا کسانی که می خواهند ...

اگر ورد را بگویم مطمئناً شما هم مواردی را دیده اید که پس از این ورد چشمتان را بسته اید و چیزی نگفته اید. و اما این ورد اعجاب انگیز «شورا همه شان دزدان، خدشان انده خوردان که حساب نداره، اینقدر ما به کجا بند میگیره، حق خدما را می گیریم»

قدرت این ورد فقط با نوشتن من و یا خواندن شما باطل نمی شود اگر خودمان از این ورد، عبارت و جملات غیر واقع استفاده نکنیم و مقداری به حق و حقوق دیگران احترام بگذاریم و خودمان نخواهیم و چشممان و دهانمان را نبندیم و نگوییم به ما چه ربطی داره و یک تذکر بدهیم و از حق و حقوق عمومی خودمان دفاع کنیم و با کسانی که به دروغ و با مستمسک قرا رادان واهی اقدام به سوء استفاده و چپاول مال مردم در روز روشن می کنند برخورد کنیم در کوتاه ترین زمان این ورد و این چشم و دهن بندی از بین می رود.

قدیمی ها دیدند و شاید برای فرزندان خود تعریف کرده باشند که در بازارها و محله ها دوره گردهایی بودند که نمایش برپا می کردند و معرکه می گرفتند و از این راه ها امرار معاش و کسب درآمد میکردند و هر کدام به فراخور نمایش، باز خورد و تاثیر خودشان را بر جامعه می گذاشتند.

نمایش های پهلوانی مثل زنجیر پاره کردن که منعکس کننده روح پهلوانی و قدرت و جایگاه بودند و این نمایشات متکی بر زور بازو بود و مردم کوی و برزن این دوره گردان را به چشم یک پهلوان می دیدند، یا نمایشهای پرده خوانی، شاهنامه خوانی، تعزیه که برای سالیان متمادی انتقال دهنده فرهنگ، ادبیات و باورهای ملی و مذهبی این مملکت بودند و بسیاری از معلومات مذهبی و ادبی مردم سالهای گذشته ی این مرز و بوم از همین نمایشها بدست می آمد و برای نسل ها سینه به سینه منتقل می گردید.

دسته دیگری از این نمایش ها که به موضوع این مطلب برمی گردد به چشم بندی معروف بود که به معنی تردستی و شعبه بازی امروزی است. به گفته کسانی که نمایش های چشم بندی را دیده بودند فرد نمایش دهنده کارهای خارق العاده ای انجام می داد که غیر قابل قبول و در حالت عادی و طبیعی غیر قابل انجام بود ولی همه می دیدند که کار انجام شد و کسانی که از ابتدا حاضر و ناظر این معرکه بودند با قدرت سحرآمیز وردی که توسط مرد معرکه گیر خوانده می شد همان چیزی را می دیدند که مورد نظر فرد معرکه گیر بود نه واقعیتی که معرکه گیر انجام می داد و اگر کسی در حین انجام معرکه و نمایش به جمع حاضر اضافه می شد بر خلاف دیگران نه تنها شاهد اعمال خارق العاده و فرابشری نبود بلکه حرکات و نمایشاتی پیش پا افتاده و مسخره را مشاهده می کرد به هر حال حاضرین حقیقی یا غیر حقیقی شاهد حرکات عجیبی بوده و در کنار اینکه وقت فراغتشان پر می شد تنها چیزی که شاید از دست می داد مقدار ناچیزی پول بود که در کاسه معرکه گیر می انداخت و اگر می خواهباز چند و چون معرکه های چشم بندی بیشتر بدانید سراغ پدر بزرگ و مادر بزرگ هایتان بروید تا برایتان تعریف کنند.

و اما ورد چشم بندی در محمدآباد امروز
وردی به ظاهر ساده توسط خیلی از محمدآبادیها مورد استفاده قرار می گیرد و قدرت بسیار زیادی هم دارد و نه تنها باعث بسته شدن چشم حضار می شود بلکه دهان آنها را هم می بندد و این ورد اعجاب انگیز با حفظ منافع شخص استفاده کننده باعث وارد آمدن لطامت کوتاه مدت و بلند مدت بر اعتماد، صداقت، همدلی، همراهی و اقتصاد محمدآباد می شود و اما این ورد چیه و توسط چه افرادی مورد استفاده قرار می گیرد و چه کاربردهایی دارد. شاید من و شما هم خواسته یا ناخواسته این ورد را استفاده کردیم و برکات آنرا هم شاهد بودیم و یا اینکه این ورد را کسان دیگری در برابر ما گفته باشند و چشم و گوش من و شما را بسته باشند.

لقمه حرام

تاثیرات لقمه حرام در زندگی انسان

سید ابوطالب حسینی

در نگاه با چشم ظاهر بین، هیچ فرقی بین لقمه حرام و حلال دیده نمی شود. برای همین است که آلودگان به این گناه می گویند، فرقی بین این دو، به چشم نمی خورد.

بر اساس آموزه های دینی، مالی که از راه غیر شرعی به دست می آید گر چه از نظر ظاهر به مانند مالی است که از راه شرعی بدست آمده؛ اما باطن و حقیقتی بسیار متفاوت دارد. در برخی از آیات و روایات و نقلهای معتبر نقاب از چهره آن برداشته شده و حقیقت آن بر همگان عیان شده است.

مسائل روحی مانند غم و اندوه باعث بروز بیماری های جسمی در انسان می شود. و لقمه حرام یکی از آن بیماری ها است. کسب درآمد حلال و یا حرام و به عبارتی لقمه حلال یا حرام از جمله مسائلی است که ابعاد وسیعی از زندگی انسان را تحت تاثیر قرار می دهد. به همین دلیل پرهیز از لقمه حرام اهمیت زیادی دارد.

لقمه حرام تنها شامل خوردن غذای حرام نیست، بلکه بر اساس روایات مصادیق متعددی دارد که عبارتند از: ربا خوری، خوردن مال یتیم، کم فروشی، کم کاری، نپرداختن خمس و زکات، رشوه خوری و از همه مهمتر حق الناس یا حق مردم.

آثار و پیامدهای لقمه حرام.

۱. پذیرفته نشدن نشدن نماز و عبادات ۲. مستحبات نشدن دعا ۳. نسل فاسد نسل فاسد: فردی که لقمه حرامی را به منزل می برد، خانواده خویش را از سعادت دور می کند و فرزندانی که در چنین خانه ای متولد می شود، روی سعادت را نمی بیند. کسی که نطفه اش از حرام منعقد شده، به فساد و تباهی گرایش داشته و فاسد خواهد شد.

اندر حکایت شالیکاری

ابوالفضل کلاته میمری

بدون هیچ ناراحتی و خاطر آزردہ ای سر سفره صبحانه می نشینند و صبحانه تقریباً تکراری جای و پنیر و گوجه و خیار همه روزه را می خورند و بعد از اینکه انرژی گرفتند دوباره مشغول کار می شوند سعی می کنند تا ظهر نشده تخم را بکنند و زودتر مشغول تقسیم کردن تخم شوند. خدا را شکر که هم روش درست کردن شالیزار عوض شده و مرز بندی سنتی از رونق افتاده و هم به طبع آن تخم پخش کردن و چند دسته تخم این دست و چند دسته تخم در دست دیگر و ۷۰-۸۰ متر بردن و تحمل شکنجه و خستگی کشنده ی دستها دیگر تمام شده و امروزه شالی تخم را روی لاستیک می ریزند و به راحتی (البته نه به این راحتی بلکه راحت از گذشته) با یک طناب به دنبال خودشان می کشند و پلاستیک روی آب و گل سر می خورد و پیش می رود. آنها یکه جوان های سالهای گذشته هستند و شالی کاری ۲۰-۱۰ سال پیش و تخم کنی و تخم کول کردن را بیاد دارند خوب می دانند که این پلاستیک ها چه تکنولوژی به روزی در امر تخم پخش کردن هستند و خدا پدر و مادر مبتکر آنها بیامزد. به هر حال کار سخت تخم کنی و تخم پخش کنی در ساعت ۳ یا مقداری کمتر یا بیشتر به پایان می رسد و به جای خوب قضیه یعنی ناهار گرم و دستمزد گرم به گرم می رسد. اگر صاحب زمین پول آنها را زود بدهد که هیچ اما اگر ندهد تخم کنان همه اش دلواپس هستند که کی پولشان را می گیرند و از طرفی رویشان هم نمی شود که این قضیه را به طرف مقابلشان بگویند. سرانجام وقتی که دوره ی تخم کنی تمام می شود اگر درون روستا را بروی جوانان خوش تیپ را می بینی که با لباس و کفش نو که برخی زبانکشان از خود کفش هم بزرگتر است توی خیابان راه می روند. و این قضایا تمام می شود و خاطراتش می ماند تا سال که دوباره تخم کنی شروع و اتفاقات تکرار شود.

با نزدیک شدن به آخر فصل بهار فصل موسوم به شالی کاری و کارهای فشرده و جانکاه آن در روستایمان شروع می شود و جنب و جوش خاصی در بین مرد و زن و پیر و جوان روستا دیده می شود. زن های روستا به چند گروه تقسیم می شوند و کار نشاء را برعهده می گیرند. جوانها هم به تیم های مختلف تقسیم می شوند و کار تخم کنی را به عهده می گیرند. تیم هایی که می تواند باعث شکل گیری دوستی های سالیانه یا دائمی شود. سختی کار شالیکاری بر هیچ کشاورز و کشاورز زاده ای پوشیده نیست و شاید بیراه نباشد که بعضی ها به آن پرنج کاری می گویند. تخم کنها قسمتی از نیاز های بخش کشاورزی روستا (نیاز به نیروی کار) را پوشش می دهند، یعنی با پتانسیلی که دارند برای اشتغال فصلی در بخش کشاورزی استفاده می کنند. جوانها صبح زود از خواب بیدار می شوند و در تیم ها و دسته جات چند نفری تقسیم شده و با موتور یا وسیله ی صاحب زمین به تخم زار می روند و اگر قبلاً شالی تخم را ندیده و یا در مورد آن پرس و جو نکرده باشند همه اش خدا خدا می کنند که شالی تخم سفت یا کوتاه نباشد و کندنش راحت باشد. بالاخره لباس ها عوض می شوند و بخوابی نخواهی، دیر یا زود باید تمام و کمال داخل آب و گل و لجن تخم زار بنشینند و در کنار صحبت از عالم و آدم، زمین و زمان و اظهار نظر در مورد کوچک و بزرگ و تعیین تکلیف در مورد همه چیز چاره اندیشی می کنند بغیر از خودشان و فکری برای آینده ی خود. برای اینکه وقت بگذرد و گرمی آفتاب یا سختی کار زیاد به آنها فشار نیاورد بعضی وقت ها برای گروهی دیگر کُری می خوانند و یا به جاده نگاه می کنند تا یک نفر از آنجا رد بشه و سوژه ی جدیدی برای صحبت کردن پیش بیاورد. و یا رفیقی که از کنار آنها رد می شود با یک دسته تخم مورد عنایت قرار می گیرد. تخم کنان مجبورند در همان حال و با دست و پنجه ی گل و کثیف حشرات را از سر و گردنشان دور کنند و یا نقطه ی گزیده شده را بخاراند. وقتی موقع صبحانه می رسه با همان آب وال (جوی) کنار تخم زار دستشان را می شویند و

حاشیه های انتخابات شورا

علی خورشیدکلاهی

های غیر مقیم و کسانی که شاید سالهای سال گذرشان به روستای محمدآباد نیفتاده باشد در پای صندوق رای بود که علامت سوال بزرگی را در ذهن ایجاد میکرد. و شاید بتوان آن را استفاده از تمامی ظرفیت های یک یا چند نامزد قلمداد کرد.

۵. در این دوره رای مردم تقریباً بر اساس یکی از لیست های ائتلافی بود که این امر نیز جای تامل دارد. در اغلب شهرها (به غیر از کلانشهرها و شهرهای بزرگ) و بالاخص روستاهای افراد بیشتر بر اساس طایفه و میزان جمعیت فامیل های دور و نزدیک و اطرافیان شان است ولی در این دوره در انتخابات شورا این مسئله چندان به چشم نیامد و ...

۶. در شب آخر تبلیغات انتخابات برگه ای در روستا پخش شد که توسط لیست ائتلافی (مازندرانی، شعبانی، سامقانی) تهیه شده بود و پس از زیر سوال بردن اقدامات شوراهای سابق برنامه های خود را به اختصار شرح داده بودند.

جعفرآبادی تشکیل می شد. مهدی حمزه ای و محمدباقر عباسی نیز بعنوان کاندیدای مستقل وارد عرصه رقابت شدند.

همچنین حسین ناصری و موسی رمضانپور نیز جزء کاندیداهای شورای اسلامی بودند که در میانه راه از حضور در عرصه انتخابات انصراف دادند.

این نکته نیز نباید از نظر دور بماند که تمامی کاندیدها از آقایان بودند و خانمها رغبتی برای ورود به عرصه انتخابات نشان ندادند. ۳. برخلاف دوره های قبل که افراد میل چندانی به تبلیغات نداشتند و بیشتر تبلیغات شفاهی بود و حتی بعضی افراد تا روز رای ریزی دقیقاً نمی دانستند چه کسانی ثبت نام کرده اند، در این دوره شاهد چاپ بنر، کارت ویزیت، فرستادن اس ام اس، نشست های انتخاباتی که شاید بتوان اسم آن را میتینگ ولی در اندازه های کوچکتر گذاشت و ... بودیم.

۴. مسئله دیگر حضور محمدآبادیهایی مقیم گرگان و یا محمدآبادی

انتخابات همیشه در بطن خود دارای حواشی و اتفاقات جالبی است که پرداختن به آن خالی از لطف نیست و بعضاً حواشی از متن بیشتر مورد توجه قرار می گیرند.

انتخابات شوراهای اسلامی سال ۹۲ که مقارن با انتخابات ریاست جمهوری بود نیز دارای حواشی جالبی بود که به اجمال آنها را مرور می کنیم.

۱. اولین نکته ای که به چشم می آید حضور و مشارکت بالای مردم در این انتخابات بود که نسبت به سالهای گذشته افراد بیشتری پای صندوق های رای حاضر شده بودند.

۲. برای اولین بار در انتخابات روستا ائتلاف شکل گرفت و این اتفاق نشان از برنامه ریزی قبلی داشت. یک لیست ائتلاف متشکل از غلامرضا (امیر) مازندرانی، خلیل مازندرانی (محمود) محمدتقی شعبانی، علیرضا مازندرانی و قاسم سامقانی بود. و لیست دیگر از عباس حمزه ای، حسین مکتبی، خلیل مازندرانی (رضا)، موسی اترچالای و قربان

و با تشکر از

و با تشکر از هر کسی (واقعا هر کسی) که بتواند به این سوال بنیادین «چه کسی آب شالیزار مرا خالی کرد؟» پاسخ دهد.

و با تشکر از جمعی (البته به صورت انفرادی فعالیت می کنند) از شالیکاران که در امر لوله کشی و کانالهای زیر زمینی تخصص پیدا کرده اند و بدون شک اگر مدیریت متروی تهران به آنها واگذار شود، توانایی های خود را در این عرصه به اثبات می رسانند.

و با تشکر از عده قلیلی از شالیکاران که اوج همکاری را با آبران ها داشته و تنها ۲ بار به شالیزار سر می زنند. یکی برای نشاء و یکی برای درو. و این عزیزان فی الواقع به عملیات داشت هیچگونه اعتقادی نداشته و معتقدند «چیزی که بخواد عمل بیاد خودش عمل میاد».

و باز هم با تشکر از عده ای از شالیکاران (زیاد نیستند ولی نمی توان از آنان صرف نظر کرد) که صلات ظهر و اوج گرمای آفتاب به شالیزار خود سر می زنند و این عمل را هر روز تکرار می کنند (واقعا دیدیم که داریم می گوئیم).

و با تشکر از کشاورزان روستا که هیچگونه اعتقادی به آیش کردن زمین هایشان نداشته و به مانند مریضی که با قرص و دوا و جوشانده و سرپا نگه داشته می شود بوسیله انواع کودهای شیمیایی و غیر شیمیایی و ... همچنان زمین شان را کشت می کنند و کعبه تراثور رومانی از زمین کار می کشند و سال به سال هم محصول کمتری می گیرند. در اینجا ذکر خاطره ای خالی از لطف نیست «هم خدمتی ای تر کمنی داشتیم اهل دوگونچی یک روز دیدیم کبکش خروس می خواند، گفتیم چه شده؟ گفت پدر بزرگم از نیم هکتار زمین ۵ تن و نیم جو برداشت کرده، این را گفت و بشکن زنان دور شد.»

و با تشکر از چند کشاورز محمدآبادی که در اقدامی خود جوش و البته با مجوزهای رسمی دولتی اقدام به قطع ۱۰۰ اصله درخت در حاشیه زمین های خود در ابتدای روستا کردند و با این اقدام قاطعانه خود هکتارها زمین را از یوغ درختان مزاحم رها کردند!!!!!! بن چند هکتار زمین نیز قرار است برای قدردانی از زحمات صاحبان خود در قطع این درختان مزاحم، میزان محصول دهی خود را تا ده برابر افزایش دهند.

کَمِل بَند!

از گوشه و کنار

بهبود وضعیت آب روستا

پس از چندین سال چشم انتظار، با همکاری و مساعدت شرکت آبفای گرگان و شرکت آب و فاضلاب شهری و پیگیری های دهیاری و شورای اسلامی محمدآباد و همچنین کمک ها و پیگیری های بسیار آقای عیسی اترچالی، سیستم آب شرب روستای محمدآباد از سیستم قبلی جدا و به سیستم آب شرب شهر گرگان متصل شد.

نوبت به رایتل رسید

پس از گذشت حدود یک سال از ورود رایتل به بازار، این اپراتور اقدام به نصب دکل در روستای محمدآباد کرد، که حدود یک ماه پیش نصب پایه های اصلی این دکل به اتمام رسید. ادامه ی نصب این دکل کمی با تاخیر انجام شد که گویا به دلیل دریافت مجوز بود و در روزهای پایانی آذر ماه ادامه ی کار نصب این دکل دیده شد که امیدواریم هرچه زودتر تکمیل و راه اندازی شود. البته نباید از خطرات اشعه های برآینده از این دکل چشم پوشی کرد.



حضور تیمی از دفتر امور روستایی استان بوشهر در محمدآباد

روز یکشنبه مورخه ۹۲/۶/۲۱ گروهی از دفتر امور روستایی استان بوشهر با هیات همراه دفتر امور روستایی استان گلستان جهت بازدید از عملکردهای عمرانی، خدماتی، فرهنگی، ورزشی و ... روستای محمدآباد در این روستا حضور یافتند که سوالاتی در مورد نحوه کسب درآمدها، نحوه اجرای پروژه ها و بیوگرافی از روستا را خواستند که به سوالات آن میهمانان به طور شفاف پاسخ داده شد.

گردهمایی ارتقا فرهنگ ایمنی ادوات و وسایل کشاورزی

روز چهارشنبه ۹۲/۸/۲۹ روستای محمدآباد میزبان مسئولان اداره حمل و نقل و پایانه های استان گلستان و رئیس پلیس راهنمایی آق قلا بود. در این گردهمایی که به همت دهیاری برنامه ریزی شده بود تعدادی از تراکتور داران روستا در مسجد جامع محمدآباد حضور داشتند که پس از صحبت های مسئولان اداره حمل و نقل، تابلوهای شب رنگ خطر به تراکتور داران اهدا و در همان محل روی تراکتور و ادوات کشاورزی شان نصب شد.



خطرناکه حسن

چندی پیش یکی از بچه های همسایه رو دیدم که در حیاطشان بسته شده بود و پشت در مانده بود. پس از چند دقیقه صبر کردن و معطل ماندن پشت در، ناگهان چسبیده به علمک گاز که کنار دروازه شان بود، و شروع کرد بالا رفتن !!! لازمه که خانواده ها در این زمینه و نسبت به خطر این کار به فرزندانشان (بیشتر پسران) هشدار بدهند.

مسابقه ی دارت

پایگاه بسیج خواهران عذرا به مناسبت هفته ی بسیج مسابقه ی دارت برگزار کرد. این مسابقه که مخصوص خانمها بود، روز آدینه در حسینیه ی روستای محمدآباد برگزار شد و در این مسابقه خانمهای محمدآبادی حضور گرم و پرشوری داشتند که در پایان جوایزی به رسم یادبود به نفرات برتر اهدا شد.

سردر سالن ورزشی

اغلب سعی بر این است که تابلوهای ورودی بناهای عمومی و سردر چنین بناهایی به گونه ای باشد که میل و رغبت انسان را برای ورود به آن برانگیزد. و همچنین تابلوی ورودی هر بنا باید المان هایی از فعالیت های درون آن را مشخص سازد. شاید در حدود یکسال باشد که تابلو ورودی سالن ورزشی تخریب شده و رنگ آن هم رفته و وضعیت نامناسبی دارد. و هیچ توجهی به آن نمی شود. امیدواریم مسئولین امر نسبت به تعویض یا تعمیر تابلوی مذکور اقدام لازم را انجام دهند.

مسابقه ی عکاسی

از این شماره قصد داریم مسابقه ی عکاسی راه بیندازیم. موضوع این شماره مسابقه «زمستان در محمدآباد و فعالیت های زمستانه» است. می توانید با هر دوربینی حتی موبایل عکس گرفته و به همراه مشخصات خود و دوربین برای پست الکترونیک نشریه ارسال نمایید. تمامی عکسها در باشگاه خوانندگان قرار گرفته و توسط بازدیدکنندگان باشگاه نظر سنجی شده و به افراد برتر جوایزی اهدا می شود.

تبریک

محمد رضا خان عزیز، گذشتن از اولین و دومین مرحله ازدواج مبارک باشه؛ مطلب که نمی نویسی، جلسه هم که نمیای! مرد حسابی، نمیخواهی شیرینی بیاری، نیار ولی ما ول کن نیستیم، خلاصه مرحله اولو و دومو که در رفتی ولی مرحله های بعدی باید مارو دعوت کنی.

امیدواریم!

هیئت تحریریه ناور

ادامه به کار دهیاری جهت زیبا سازی بوستان محلی

مراسم عروسی و از اقدامات بعدی جهت تکمیل تر نمودن بوستان محمدآباد می باشند. رمضانپور افزود: باتوجه به بودجه ای که برای تکمیل فازهای بعدی وجود دارد، سعی داریم تا با اقداماتی کوچک و سریع را انجام دهیم تا بوستان در مراحل اولیه سود دهی داشته باشد! هرچند این سود دهی کم و ناچیز بوده اما با توجه به بودجه و کمک های شورای اسلامی که روی هم تامين کننده هزینه های تکمیل بوستان نمی باشند، حداقل بخشی از هزینه ها تامین می شود.

پس از مدت ها دهیاری روستا، تصمیم به زیبا سازی بوستان محلی گرفت! بوستانی که تا چند وقت پیش فقط درخت بود و اتاقک و محلی برای چرای گوسفندان و دهیار محمدآباد از اقداماتی که انجام شده و اقداماتی که در آینده انجام خواهد شد گفت: که نصب تیر برق، طراحی نقشه برای قسمت جلویی، احداث آب نما و برکه، احداث میسر ها و بتن کردن راهروهای اجرا شده در فضای سبز و راهروی اصلی بوستان از اقدامات انجام شده و تکمیل کردن پارک کودک، دیوار کشی بوستان، درخت و گلکاری، احداث محل جداگانه برای عکاسی



تقدیر از علی اصغر غفاری بعنوان منجی نمونه کشور



در مراسم تجلیل از منجیان نمونه کشوری (سال ۹۱) که با حضور دکتر عباسی وزیر ورزش و جوانان (سابق) و مهندس میرسلیم رئیس فدراسیون نجات غریق و دیگر مسئولین این رشته در تاریخ ۹۲/۳/۶ برگزار شد از آقای علی اصغر غفاری به همراه ۱۵ نجات غریق نمونه دیگر قدردانی و تقدیر شد . همچنین هدایایی از سوی وزیر ورزش به منجیان نمونه کشور اهدا گردید. گفتنی است علی اصغر غفاری یکی از مربیان برجسته شنا و همچنین نجات غریق سرشناس شهرستان گرگان و استان گلستان می باشد. این افتخار را به این ورزشکار ارجمند و خانواده ایشان و اهالی روستای محمدآباد تبریک عرض می نماییم. گفتگوی ناور با آقای غفاری را در صفحه ۲۰ بخوانید.

تشکیل مجدد شورای ورزشی محمدآباد

پس از شروع به کار شورای اسلامی جدید، با تصمیم شورا و دهیاری روستای محمدآباد، شورای ورزشی محمدآباد مجدداً تشکیل شد. در نخستین جلسه شورای ورزشی که با حضور اعضای شورا، دهیار روستا، تعدادی از پیشکسوتان ورزش و فرمانده پایگاه بسیج محمدرسلول، برگزار شد. آقای علی اصغر غفاری به عنوان رئیس شورای ورزشی محمدآباد انتخاب شدند. ناور برای کلیه ورزشکاران و دست اندرکاران ورزش روستا، آرزوی موفقیت و برای ورزش محمدآباد آرزوی روزهای خوب دارد.



آغاز احداث منزل مسکونی توسط مجمع خیرین

احداث یک باب منزل مسکونی به مساحت ۵۰ متر مربع جهت رفع مشکل مسکن دو تن از سالمندان روستای محمدآباد، توسط مجمع خیرین روستای محمدآباد و از محل اعتبارات این مجمع آغاز گردید. یک عضو مجمع در گفتگو با ناور اعلام کرد، اکثر بودجه و اعتبار آن آماده بوده و در صورت همکاری بنا و کارگر و متعادل شدن هوا سعی داریم در اسرع وقت این ساختمان را به اتمام رسانده و در اختیار این خانواده آبرومند قرار دهیم.

شایان ذکر است این ساختمان همواره جزو داریی های مجمع خیرین خواهد بود و به ضرورت در اختیار نیازمندان قرار خواهد گرفت.

نتیجه انتخابات شوراها و ریاست جمهوری در روستای محمدآباد

نتایج تأیید شده انتخابات چهارمین دوره شورای اسلامی روستای محمدآباد پس از حضور پرشور مردم پای صندوق رای در روز شنبه ۲۵ خرداد اعلام شد که به شرح زیر می باشد.

۵ نفر اعضای اصلی شورا: حسین مکتبی ف: حسن (۶۵۵ رای)، عباس حمزه ای ف: قنبر (۶۳۷ رای)، موسی اترچالی ف: احمد (۵۹۶ رای)، خلیل مازندرانی ف: رضا (۵۰۴ رای)، مهدی حمزه ای ف: غلامعلی (۴۹۷ رای)

۲ نفر اعضای علی البدل: باقر عباسی ف: عابدین (۳۶۰ رای)، قربان جعفرآبادی ف: شعبان (۳۳۶ رای)

مابقی نفرت: خلیل مازندرانی ف: محمود (۲۵۳ رای)، غلامرضا (امیر) مازندرانی ف: محمود (۲۴۹ رای)، علی مازندرانی

ف: جعفر (۲۱۹ رای)، محمد تقی شعبانی ف: اسماعیل (۲۰۳ رای)، قاسم سامقانی ف: محمد (۱۶۹ رای)

انتخابات ریاست جمهوری

همچنین نتیجه شمارش آرا ریاست جمهوری در روستا بدین شرح است.

کل آرای مآخوذه: ۱۴۸۵ رای، حسن روحانی ۱۰۵۴ رای، محمدباقر قالیباف ۲۰۹ رای، علی اکبر ولایتی ۶۷ رای، سعید جلیلی ۶۶ رای، محسن رضایی ۵۴ رای، محمد غرضی ۲۰ رای، آرای باطله ۱۵ رای.



حفره در دیواره ی آب بندان

به منظور برقراری ارتباط آبی و بدون هزینه ی بالا بین دو آب بندان روستای محمدآباد، هیئت امنای آب بندان تصمیم به ایجاد حفره در دیواری بین دو آب بندان گرفت. که این عمل روز آدینه ۱ آذر با حضور تعدادی از اعضای هیئت امنا انجام شد.

راه اندازی سامانه پیامک هیئت

هیئت جان نثاران صاحب الزمان محمدآباد، جهت اطلاع رسانی اخبار هیئت و مسجد جامع روستای محمدآباد، تبریک و تسلیت ولادت و وفات و شهادت ائمه و همچنین دریافت نظرات و پیشنهادات در مورد مسجد و هیئت، سامانه پیامکی با شماره ۰۵۰۰۴۰۰۱۷۵۴۷۰۰ را راه اندازی نمود.

سفر هیئت جان نثاران به مشهد مقدس

طبق رسم هرساله ی روستای محمدآباد، هیئت جان نثاران صاحب الزمان (عج) پس از دهه ی اول محرم، در تاریخ ۹۲/۸/۲۶ جهت زیارت و عزاداری در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) به مشهد مقدس سفر کرد. در این سفر یک هفته ای ۲۷۰ نفر از اهالی روستای محمدآباد هیئت جان نثاران را همراهی کردند و در تاریخ ۹۲/۹/۲ به محمدآباد بازگشتند.

احداث مسیر عابر پیاده



دهیاری روستا جهت آسایش و رفاه خانواده های ساکن در ابتدای روستا اقدام به احداث مسیر عابر پیاده نمود. این مسیر از خیابان آفتاب ۱ شروع و تا خیابان آفتاب ۵ ادامه یافته است. این مسیر ۱۶۰ متری با هزینه ای بالغ بر ۳,۰۰۰,۰۰۰ تومان و با وقفه هایی که در اجرای آن اتفاق افتاد در مدت یک سال به پایان رسید.

آغاز صید ماهی در آب بندان محمدآباد

روز دوشنبه ۹۲/۹/۲۳ صید ماهی از آب بندان شماره ۱ محمدآباد آغاز شد. امسال در آب بندان انواع ماهی های فتوفاک - کپور - آمور - بیگ هد و ... پرورش داده شده اند که نسبت به سالهای قبل رشد بهتری داشته و صید ماهی حدودا تا اواسط دی ماه ادامه دارد.



دست‌هایی که می‌بخشند

سال ۱۳۸۴ مجمع خیرین روستای محمدآباد با هدف کمک به خانواده‌های نیازمند روستا تشکیل گردید و از آن زمان تا امروز کمک حال خانواده‌های نیازمند و آبروداری است که در کنار من و شما در این روستا زندگی می‌کنند.

مجمع همه ساله در اوایل ماه رمضان اعضایش را در یک ضیافت افطاری دور هم جمع کرده و گزارش سالانه‌اش را به آنها ارائه می‌دهد. امسال نیز طبق روال این افطاری در ماه مبارک رمضان و در محل فاطمیه روستا برگزار شد و بهانه‌ای شد تا مصاحبه‌ای داشته باشیم با آقای ایوب سعادت‌ی که از ابتدا عضو هیات مدیره مجمع بود تا با فعالیت‌های این نهاد مردمی بیشتر آشنا شویم.

مسعود حمزه‌ای

لطفاً بفرمایید اولین بار چه کسی پیشنهاد تشکیل مجمع را مطرح کرد؟

قبلاً هم این کمک‌ها به مردم می‌شد، منتها از طریق هیات امنای مسجد که طی آن مردم زکات‌ها و کمک‌های خود را به هیات امنای می‌دادند و آنها هم به کسانی که می‌شناختند کمک می‌کردند و این فرایند تشکیلاتی نبود، ولی کمی حجم کار که بیشتر شد، روستا می‌طلبید که یک نهاد این کار را سازماندهی کند و افراد آبرودار بیشتری را شناسایی کند و به آنها کمک کند. همین نیاز باعث شد تا تعدادی از معتمدین روستا در ماه رمضان یک مراسم افطاری را ترتیب دادند و در آن حدود ۳۰ نفر از اهالی را دعوت کردند که من هم جز آنها بودم، آنجا بود که بحث تشکیل مجمع مطرح شد و بعد از تنظیم اساس‌نامه و رای‌گیری ۵ نفر از جمله بنده به عنوان هیات مدیره انتخاب شدیم.

چهار نفر دیگر چه کسانی بودند؟

آقایان سعدا... مکتبی، جعفر جعفرآبادی، رضا عباسی و سید عباس حسینی

تا الان چند نفر عضو کمک‌کننده دارید؟

تا سال ۹۲ حدود ۱۵۰ نفر

چند نفر مددجو دارید؟

تقریباً به ۳۵ خانوار به صورت دائم کمک می‌کنیم و یک سری هم کمک‌های موقتی داریم برای کسانی که در مواقع اضطراری برایشان مشکلی پیش می‌آید و دستشان تنگ است.

به این ۳۵ خانواده در چه بازه زمانی کمک می‌کنید؟

ما در طول سال سه بار به این خانوارها کمک می‌کنیم. یک بار نزدیک سال نو، یک بار قبل از ماه رمضان و یک بار هم بعد از ماه رمضان

سه بار در سال کم نیست؟!

والا در مورد کم و زیادش شما توجه داشته باشید که ما به ارکان دولتی وابسته نیستیم و متکی به کمک‌های مردم هستیم و بعضاً از رایزنی‌های خودمان کمک‌هایی دریافت می‌کنیم، البته بعضی سالها هم که وسعمان رسیده چهار بار در

سال هم کمک کردیم ولی الان وضعیت اقتصادی به نحوی است که بیشتر از این نمی‌شود، هم وضعیت اقتصادی کمک‌کننده‌ها زیاد به سامان نیست و هم اینکه قیمت‌های بازار کمی دست و پای ما را بسته است.

پس میزان کمک‌بستگی به موجودی تان دارد؟

بله

نحوه‌ی کمک‌رسانی در مجمع چگونه است؟ پول نقد می‌دهید یا کالا؟

هم پول نقد می‌دهیم و هم اینکه همراه آن سبد کالا به خانواده‌ها داده می‌شود.

این افرادی که شما به آنها کمک می‌کنید، از طرف نهاد دیگری هم به آنها کمک می‌شود؟

افرادی هستند که زیر نظر بهزیستی هم هستند و تعدادی هم که کهولت سن دارند و از کار افتاده‌اند، کمیته‌امداد هم به آنها کمک می‌کند. بعضی وقت‌ها هم کمیته‌امداد سفارش تعدادی از افراد و خانواده‌ها را به ما می‌کند. مثلاً مواردی داشتیم که یک خانواده با کمک ما و کمیته‌امداد اقدام به ساخت سرویس بهداشتی و حمام کرده است.

در مواقع اضطراری هم به افراد روستا کمک می‌کنید؟

بله، یکی دیگر از فعالیت‌هایی که ما در مجمع داریم، کمک برای درمان است که ما در مواقع لزوم به افراد کمک می‌کنیم

بلاعوض کمک می‌کنید یا قرض می‌دهید؟

بلاعوض هم هست، قرض هم هست. برای افرادی که توانایی مالی پس دادن را دارند ولی در آن موقع پول دستشان نیست، کمک ما به صورت قرض است، مثلاً طرف کشاورز است و تا موقع فروش محصولش توانایی هزینه درمان را ندارد. بعضی افراد هم هستند که واقعاً نیازمند هستند و نمی‌توانند از پس مخارج درمان برآیند که به این افراد بلاعوض کمک می‌شود. در سال حدود ۱۰-۱۲ میلیون هم به این طریق به مردم روستا کمک می‌کنیم که بیشتر برای بیماری است.



«اهمیت کمک»

سید ابوطالب حسینی

یکی از کارهای بسیار مهم زندگی مؤمن که مورد تأکید خدا و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) است که همیشه باید در لیست برنامه های ضروری او باشد، مسئله ی برآوردن حاجات مؤمنین و گره گشایی از زندگی آنهاست. اهمیت این موضوع در حدی است که پی بردن به آن از حد ظرفیت عقل آدمی خارج است.

در حدیثی از پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه و آله) وارد شده است که حضرت فرمود: «هر کس دل مؤمنی را شاد کند، مرا شاد نموده و هر که مرا شاد نماید خدا را شاد نموده است.» برابری شاد نمودن دل مؤمن با شادی خدا چیزی نیست که ما با عقل قاصر خود بتوانیم آن را درک نماییم. به یکی از آیات نورانی قرآن کریم در این زمینه اشاره می نمایم: خداوند مهربان در سوره ی مبارکه بقره در بیان بسیار لطیف و زیبا می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبَائِثِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» ای کسانی که ایمان آورده اید، از بهترین چیزهایی که بدست آورده اید و از آنچه از زمین برایتان بیرون آورده ایم، انفاق نمایید. این سفارشات نورانی از ناحیه آن قدرت بی مثال، بیانگر اهمیت فوق العاده مسئله کمک رسانی به فقرا و تنگدستان است. و لذا بر مؤمنین خدا باور است که در این جهت از خود ذره ای تعلل و سستی نشان نداده و با گوش جان به سخنان دلربای حضرت حق گوش فرا دهند، تا در مقابل از آثار مفید و برکات مادی و معنوی آن بهره ی کافی و وافی را برده باشند.

کمیت معیار عمل نیست!

یکی دیگر از پیام های مهم آیات سوره دهر این است که معیار ارزش ها در اسلام کیفیت و چگونگی عمل است، نه کمیت و مقدار آن! زیرا تمام آنچه را این خانواده محترم انفاق کردند بیش از چند کیلو جو نبود، اما از آن جا که این کار توأم با اخلاص بود و فقط برای رضای خداوند انجام شد، ارزش کار آن ها را بقدری بالا برد که پاداش های بی سابقه ای در قرآن برای کار آن ها در نظر گرفته شد. اخلاص حقیقتاً معجزه می کند، گاه کاری را هزار برابر، گاه یک میلیون برابر و گاه یک میلیارد برابر و گاه ممکن است به اندازه عبادت تمام جن و انس تا دامنه قیامت ارزشمند سازد (۲) علامت اخلاص این است که انسان مخلص بجز خداوند از هیچ کس توقع و انتظار پاداش، بلکه قدردانی ندارد؛ و گاه اخلاص به جایی می رسد که برای او قدردانی و فحاشی یکسان می شود! نه از آن خوشحال و سرمست و نه از این ناامید و پشیمان می گردد. خوشا به حال چنین انسان های مخلصی.



پول نقد می دهید یا وسیله؟

پول می دهیم، شاید وسیله ای که ما می خریم به کار آنها نیاید یا به سلیقه شان نباشد و مهم تر اینکه با پول آبروی افراد هم بیشتر حفظ می شود.

برای جهیزیه حدوداً چقدر کمک می کنید؟

یک میلیون تومان

از همان اول یک میلیون بود یا کمتر؟

نه، قبلاً که اجناس ارزان تر بود ما تقریباً ۵۰۰ - ۶۰۰ تومن کمک می کردیم، ولی امسال تصمیم گرفتیم تا سقف یک میلیون تومان به زوج ها کمک کنیم.

به نهادهای عمومی دیگر در روستا هم کمک می کنید؟

به مدارس و دانش آموزان بی بضاعت هم کمک می کنیم، مخارج جامعه القرآن را هم کلاً ما تامین می کنیم، همچنین هرساله قسمتی از هزینه های مراسم شبی با قرآن را هم به عهده می گیریم.

متکی

به کمک های مردم

هستیم و بعضاً از رایزنی های خودمان کمک هایی دریافت میکنیم. البته بعضی سالها هم که وسعتمان رسیده چهار بار در سال هم کمک کردیم ولی الان وضعیت اقتصادی به نحوی است که بیشتر از این نمی شود

شورا یا دهیاری تا حالا به شما کمک کردند؟

نه، جلساتی هم در این زمینه با شورا داشتیم، ولی خب آنها هم مشکلات خاص خودشان را دارند، و تا حالا کمکی نکردند.

تا حالا کسی از شما انتقاد هم کرده؟

بله، گاهی فردی به ما می گوید: ما شنیدیم شما به فلاینی هم کمک می کنید. بعضی وقت ها شایعه می شود. حتی شده ما رفتیم دفتر را نشان افراد دادیم و گفتیم این لیست مددجوهای ماست و این فردی که شما گفتی در این لیست نیست

پس شما هم در گیر شایعه هستید؟

بله متأسفانه، از این حرف ها به گوش ما می رسد.

در مورد نحوه ی مدیریت مجمع و جمع آوری پول هم انتقاد یا پیشنهاد داشتید؟

بله پیشنهادهای سازنده هم از طرف مردم مطرح می شود، مثلاً همین موردی که ما از بین اعضای مجمع آنهایی که کارمند هستند به صورت ماهیانه از حقوق شان کسر می کنیم، که این کار از ابتدا انجام نمی شد و در پی یک پیشنهاد ما آن را عملی کردیم.

حرف دیگری با مردم دارید؟

تشکر می کنم از تمام کسانی که طی این ۸ سال مجمع را یاری کردند و درخواست می کنم از کسانی که توانایی کمک به نیازمندان را دارند ما را در این راه تنها نگذارند. در خصوص ذکات های واجب هم تقاضا دارم اهالی به مجمع اعتماد کنند و ذکات هایشان را در اختیار مجمع قرار دهند و ما هم پاسخگوی پولی که از آنها می گیریم هستیم و از کسانی هم که ذکات ها و کمک هایشان را به اقوام و آشنایانشان می دهند خواهشمندم آمار این کمک ها را به ما بدهند تا ما برنامه ریزی بهتری در خصوص کمک به نیازمندان داشته باشیم و امیدوارم نشر این مصاحبه باعث کمک هرچه بیشتر اهالی محترم به مجمع جهت مدرسانی به نیازمندان باشد.

اولویت شما برای کمک به خانواده ها چیست؟ مسلماً شما اینقدری پول در اختیار ندارید که بتوانید به همه نیازمندان کمک کنید. سطح درآمد اولویت است یا اینکه اشخاص اصالتاً اهل روستا باشند؟

افراد باید ساکن روستا باشند، ولی اینکه اصالتاً اهل محمدآباد باشند یا نباشند برای ما فرقی نمی کند و میزان درآمدشان ملاک است و اینکه پیر و از کار افتاده باشند، بعضی ها هم که وضع شان بهتر است را سالی یک بار کمک می کنیم. اکثر افراد نیازمند روستا اصالتاً محمدآبادی نیستند و مهاجراند و در بین افرادی هم که ما به آنها کمک می کنیم، افراد مهاجر بیشترند.

غیر از کسانی که عضو مجمع هستند و به طور دائم به شما کمک می کنند از افراد دیگر هم کمک می گیرید؟

بله، افرادی هم هستند که با ما آشنا نیستند و گاهی به ما کمک می کنند، مثلاً ما یک مرغ فروشی آشنا داریم یا یک شیرینی فروشی که معمولاً نزدیک سال نو به ما کمک می کند. از طرفی ارتباط تنگاتنگی هم با کمیته امداد داریم.

یعنی اگر کمیته امداد قصد کمک

به افراد روستا را داشته باشد به شما مراجعه می کند و کارکنان خودش کارچندانی با نیازمندان روستا ندارند؟! نه، ما ذیل طرح احیای ذکات که یک طرح کشوری است با کمیته امداد همکاری داریم، به این نحو که ما پول ذکات روستا را به کمیته امداد می دهیم و این پول چند روز در حساب کمیته امداد هست، بعد اصل پول را به ما برمی گردانند و این در کمیته ثبت می شود که مثلاً در روستای محمدآباد امسال ۲۰ میلیون تومان ذکات جمع آوری کرده و به حساب کمیته امداد ریخته و بر اساس این مقدار پول واریزی، درصدی تشویقی هم به ما می دهند به علاوه اصل پول که قبلاً ذکر کردم. در طی این چند سالی که ما در مجمع بودیم از این طرح استفاده کردیم.

تا حالا در این قالب به افراد کمک کرده اید که بتوانند خودشان کار راه بیندازند و با سرمایه اولیه ای که شما در اختیارشان می گذارید بقیه زندگی را متکی به خودشان ادامه دهند؟

بله، بودند افرادی که توانایی کار را داشته اند ولی برای شروع کار سرمایه در اختیار نداشتند، ما به این افراد در قالب اعطای وام کمک می کنیم

از ابتدای شروع کار مجمع به چند نفر در این قالب (وام دادن برای شروع کار) کمک کردید؟

حدود ۵۰-۶۰ نفر

مبلغ کمک چقدر بوده؟

بسته به نیاز افراد یک میلیون، دو میلیون، سه میلیون یا حتی افرادی بودند که با ۵۰۰ هزار تومن هم کارشان راه افتاده و ما به آنها وام دادیم.

شما در بحث کمک هزینه ازدواج هم فعالیت دارید. درست است؟

بله، در بحث کمک به زوج های جوان هم تا اندازه ای در روستا سهیم هستیم و کمک صرفاً برای خرید کالا و جهیزیه است و از اول تأسیس مجمع تا به الان حدود ۲۰ زوج را در این زمینه کمک کرده ایم

جشنواره ی نوروزی



وی افزود: محمدآباد از جمله روستاهای شاخص بخش مرکزی هم از لحاظ تعداد خانوار و جمعیت و رشد امکانات و زیرساخت ها است که این پتانسیل را دارد که به سمت شهر شدن برود. محمدآباد از روستاهای شاخص در اقدامات عمرانی و فرهنگی است

کابلی ادامه داد: محمدآباد هم در بخش اقدامات فرهنگی و هم عمرانی و هم ورزشی جزء روستاهای شاخص شهر گرگان است که دهیار این روستا نیز به عنوان دهیار نمونه به استان معرفی شده است.

در ادامه این برنامه از غرفه داران این نمایشگاه و دست اندرکاران برپایی نمایشگاه با اهداء لوح سپاس و هدایایی تقدیر شد.

چهارمین جشنواره نوروزی محمدآباد گرگان که از سوم فروردین آغاز شده بود شامل بخش های متنوعی چون غرفه های مردم شناسی، نشریه ناور، غرفه صنایع دستی و سبدهبافی، غرفه توانمندیهای هنری، غرفه ورزشی، گالی خانه، و غرفه دمنوش های گیاهی و غذاهای محلی و پخت نان سنتی (کمبه) را شامل می شد که در کنار این غرفه ها هر روز در ساعات برپایی نمایشگاه بازیهای سنتی روستا و اوسانه گویی توسط چند تن از ریش سفیدان روستا انجام می شد.

این جشنواره با موسیقی و رقص محلی به اتمام رسید و حاضرین توسط آش رشته و دمنوش های گیاهی و نان محلی پذیرایی شدند.

بخشدار مرکزی گرگان در این جشنواره گفت: ارج نهادن به مناسبت های اسلامی و مذهبی از وظایف همه مسلمانان است و باید همیشه شان و منزلت این مناسبت ها حفظ شود اما اسلام هیچ گاه شادیهای صحیح و درست را نیز نهی نکرده است و از جایی که می شود به خلق خدا خدمت کرد این چنین جشنواره هایی است.

کابلی در این جشنواره گفت: در طی سال جشنواره های متعددی در استان و کشور برگزار می شود که برخی از این جشنواره ها مختص به استان گلستان است و برگزاری چنین جشنواره ای در روستایی چون محمدآباد، توجه به زنده نگه داشتن سنت های حسنه ای است که هر روستا دارد، زیرا هر روستا علاوه بر سنت ها و اداب و رسوم می خاص منطقه ای است دارد، آداب و رسوم نیز مختص به خود دارد که برای انتقال این سنت ها به جوانان و نوجوانان برگزاری چنین جشنواره هایی ضرورت دارد.

وی اظهار داشت: این جشنواره ها موجب می شود تا الگوهایی از بزرگان روستا به جوانان و نوجوانان منتقل شود و توجه به نقاط مشترک بین بزرگان و جوانان روستا می تواند پیوند دهنده این دو نسل و تمرینی باشد برای نسل امروز روستا تا از این تجربیات استفاده کرده و بتوانند در آینده افراد مفیدی برای منطقه و روستا باشند.

خبرگزاری مهر- اختتامیه چهارمین جشنواره روستایی محمدآبادگرگان که با همت کانون فرهنگی شهید مکتبی، تعدادی از اهالی و جوانان محمدآبادی و کمک های شورای اسلامی و دهیاری در ایام تعطیلات نوروز ۹۲ برپا گردیده بود، با حضور بخشدار مرکزی گرگان و اهالی روستای محمدآباد و پیشکشوتان و بزرگان روستا برگزار شد.

این جشنواره که با اهداف ایجاد روحیه نشاط و شادابی در بین مردم روستا، ایجاد انگیزه در بین جوانان، ورزشکاران و هنرمندان و نمایش توانمندیهای روستا در زمینه های ادبی و هنری و صنایع دستی و تولیدات غذایی، فراهم شدن محیطی مناسب و پر طراوت جهت گردهمایی اهالی روستا در این ایام نوروزی و مهمانان نوروزی آنها، آشنایی جوانان و نوجوانان با فرهنگ اصیل روستا و سبک زندگی گذشتگان با اجرای برنامه های جانبی و جشنواره ای و اوسانه گویی به ویژه ایجاد روحیه تعاون و همکاری جهت پیشبرد امورات روستا برگزار شده بود، با اجرای موسیقی محلی نی و دف توسط دو تن از هنرمندان روستا آغاز شد و در ادامه از دهیار سالهای ۳۸ تا ۴۲ این روستا آقای احمد کردی که پایه گذار بسیاری از زیرساخت های روستا بود و همچنین نشریه دست نویسی را به نام « ندای ده » طی سالهای دهیاری به نگارش درآورده بود تجلیل شد.

احمد کردی در این برنامه گفت: من با هدف عمران و آبادانی و با نیت خدمت به این روستا آمدم و توانستم با همیاری مردم روستا طی آن سالها پایه گذار اقداماتی چون احداث ساختمان جدید مدرسه روستا، لوله کشی بهداشتی آب، شن ریزی معابر و نشریه ندای ده را در آن سالها انجام دهم.

هویت فرهنگی، تاریخی و روستا

کریم محمدی *

مجریان است. حالا وقتی که این پتانسیل و توانایی در روستا وجود داشته که این گونه جشنواره ها را با کیفیت بالاتری برگزار نماید چرا ما هم نباید در این امر مهم روستا (برگزاری جشنواره های محلی) نقشی داشته باشیم؟ البته مجریان و برگزار کنندگان باید بصورت رسمی از اهالی محترم که علاقمند به شرکت و همکاری در جشنواره هستند دعوت به عمل بیاورند.

عید امسال شاهد بودیم که تعداد کمی از جوانان چه سختی و مشقتی را برای برپایی غرفه ها و برگزاری منظم جشنواره متحمل شدند. خلاصه اینکه جشنواره با هر کیفیتی و به هر طریقی برگزار شد.

جشن پایانی نیز که اینجانب شاهد آن بودم با جمعیت عظیمی از هم محلی ها که لازم است در همین جا از حمایت معنوی و حضور پر شور و نشاط آنها در جشن پایانی قدر دانی کنم؛ به پایان رسید. منتهی چیزی که بسیار نگران کننده و باعث تأسف است عدم اشتیاق اهالی خصوصاً جوانان بعد از پایان مراسم بود که هیچ کمکی را به مجریان جشنواره برای جمع آوری و جابجایی وسایل شاهد نبودیم. که این مسئله می تواند انگیزه لازم را برای برنامه های بعدی در مجریان و علاقمندان کم رنگ نماید. بنابراین ما باید این مهم را به فال نیک بگیریم و سعی کنیم که با مشارکت بیشتر در اجرای این جشنواره ها انگیزه لازم برای برگزاری جشنواره های مهمتر را برای مجریان فراهم نماییم.

* کارشناس ارشد جامعه شناسی

بین اهالی خصوصاً نسل جوان و نسل مسن تر جلوگیری کند و باعث ایجاد فضای شادی و نشاط در روستا، حفظ فرهنگ بومی و ریشه دار و اصیل روستا، تکریم بزرگان و سالخوردگان و ... را ایجاد نماید که علاوه بر بار فرهنگی، از جذابیت و تنوع بالایی نیز برخوردار بود. این جشنواره نه تنها تاریخ و آداب و رسوم و سنن گذشتگان ما را به شکلی پویا و عمیق به نسل جوان روستا معرفی و منتقل کرد بلکه با استحکام و پیوند بین نسل جدید و گذشته، گام موثری برای فرهنگ سازی و احیای سنت های کهن روستا نیز برداشت.

زیرا فرهنگ و تمدن هر نسلی نشأت گرفته از آداب و سنن نیاکان و پیشینیان است و پایه و اساس اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی هر جامعه ای ریشه در اعتقادات و مسائل فرهنگی و اجتماعی اجداد آن منطقه دارد.

به نظر نگارنده برپایی این جشنواره نقش مهمی در همگرایی و وفاق اجتماعی در طیف خاصی از اهالی بوجود آورد و توانست شادی و نشاط چند روزه ای را به روستا برگرداند؛ چون بر این باور هستیم که شادی حق همه انسان ها است. و شادی جمعی و گروهی ضرورت جامعه است. جشن هر چند که تکراری هم باشد باز هم شادی را به دنبال خواهد داشت. پس تا دیر نشده از فرصت ها برای ایجاد نشاط و شادی استفاده کنیم و سعی کنیم که چنین برنامه هایی با هر موضوعی در روستا تکرار گردد. لازم است این نکته مهم و ضروری را یاد آور شوم که برنامه ریزی، اجرا و برگزاری چنین جشنواره هایی کار ساده ای نیست و مستلزم صرف وقت و نیروی فیزیکی فراوان و بار مالی برای

هر روستایی دارای هویت فرهنگی و تاریخی است که فرهنگ یا خرده فرهنگ خاص خود را دارد که شامل: ارزش ها، آداب، رسوم، باورها، خلیقات اجتماعی، شیوه های رفتاری و زبان و لهجه و موارد بسیار دیگری است که عمدتاً از نسل های گذشته به ارث رسیده که کلیت جامعه روستای ما را تحت تاثیر خودش قرار داده است.

روستاها معمولاً به دلیل محدودیت های ارتباطی که ناشی از شرایط جغرافیای منطقه آنهاست کمتر تحت تاثیر فرهنگ های غیر بومی قرار می گیرند. اما این مسئله در رابطه با روستای محمد آباد به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ارتباط سهل و آسان با مراکز شهری خصوصاً مرکز شهرستان کمتر اتفاق افتاده و آن مقاومتی که معمولاً روستاهای دور دست در برابر تغییر و تحولات فرهنگی دارند در روستای ما کمتر دیده می شود.

بنابراین روستای ما نیز دارای هویت خاص خود است و این یک مزیت برای ماست که همین حالت برای هویت تاریخی و فرهنگی روستای ما نیز صادق است. یک نمونه از این هویت را در نوروز ۹۲ دیدیم و آن برپایی جشنواره محلی و صنایع دستی روستا بود که بسیار با شور و هیجان برگزار گردید. این نشان دهنده آن هویت فرهنگی و تاریخی روستاست که موارد فرهنگی و تاریخی روستا به صورت سینه به سینه حفظ شده و از گذشته های روستا به نسل جدید منتقل شده است.

از بیان این مقدمات قصد دارم اشاراتی هم به برگزاری این چنین جشنواره هایی داشته باشم.

به نظر جشنواره فرهنگی روستا، توانست از ایجاد فاصله تدریجی

آشپزخانه



غذای محلی

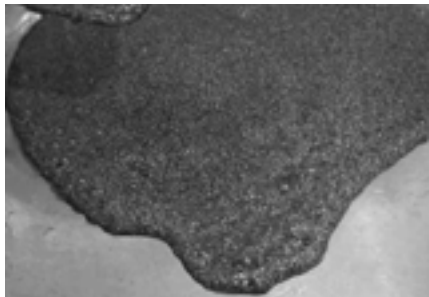
پشت زیک

پشت زیک شاید جزء غذاها حساب نشه؛ ولی توی شب های بلند و سرد زمستانی که شب نشینی ها زیاد شده، یکی از تنقلات و پای ثابت سفره و خوراکی پذیرایی از مهمان، کنار چایی و میوه و حتماً پشت زیکه! پشت زیک کنجد فراوانی داره که از خواص کنجد باید به پیشگیری از فشار خون، کاهش کلسترول و اشاره کرد.

مواد لازم و طرز تهیه پشت زیک:

کنجد= ۲ پیمانه شکر= ۱٫۵ پیمانه گردو

ابتدا کنجد را در تابه تفت داده تا داغ شود، سپس شکر را در روی حرارت ملایم آب کرده، بعد از



آب شدن شکر، کنجی را که از قبل تفت داده بوده را به آن اضافه می کنیم. کمی این دو را مخلوط کرده سپس گردوی خرد شده را به آن اضافه میکنیم و بعد از این کار، ماده ی آماده شده را روی سطح صافی مثل سینی ریخته و با وردنه صاف کرده.



مسابقه پیامک



آیا می دانید معادل محمدآبادی واژه ی « افاده ای » چیست؟
پاسخ خود را به سامانه پیامک نشریه (۳۰۰۰۱۲۲۰۰۰۰۰۶۵) ارسال نمایید.
جواب مسابقه شماره قبل: غروب = نامشان
تعداد ۷۰ نفر در مسابقه شرکت کردند که از این تعداد ۴۳ نفر به سوال درست جواب داده و نفرات ذیل به قید قرعه برنده شدند.

صغری علیپور، فاطمه مازندرانی، مهدی مازندرانی



از گلستان من بپروقه



دو امیر زاده در مصر بودند یکی علم آموخت و دیگر مال اندوخت عاقبة الامر آن یکی علامه عصر گشت و این یکی عزیز مصر شد پس این توانگر به چشم حقارت در فقیه نظر کردی و گفتی من به سلطنت رسیدم و این همچنان در مسکنت همانده است. گفت ای برادر شکر نعمت باری عزّ اسمه همچنان افزونتر است بر من که میراث پیغمبران یافتم یعنی علم و ترا میراث فرعون و هامان رسید یعنی ملک مصر

(گلستان سعدی؛ باب سوم، در فضیلت قناعت)

مِتِ قَدِیما

علی خورشیدکلایی

انسان همواره نیازمند شادی است و اگر فرصتی را برای شادی و شادی کردن به خود ندهد انبوه مشکلات رفته رفته توان انسان را تحلیل می دهند که حاصل آن چیزی جز انزوا، خمودی و تیرگی نیست. رسم شاد بودن از پیشینیان ما بر جای مانده که به هر بهانه ای سعی می کردند شاد باشند و این شادی را به دیگران نیز منتقل کنند. جشن های سال نو، جشن مهرگان (خرمن)، جشن شب یلدا و ... همگی دلالت بر این موضوع دارد. نوروز امسال در روستای ما جشنواره ای با همت جوانان روستا برگزار شد سعی کرد حس شاد بودن را بین مردم جاری و ساری سازد. و همچنین فرصتی را برای احیای سنت های فراموش شده ایجاد کرد. در این دو صفحه گوشه هایی از این جشنواره را به تصویر کشیده ایم.

▼ نی یکی از گیاهانی است که نقش زیادی در زندگی روستایی داشته است. هر چند امروزه کمتر از آن استفاده می شود. اما در قدیم در پرچین کردن دور حیاط یا مزرعه، پوشش سقف، کارهای کشاورزی، لوازم زندگی مانند سبد و ... از نی استفاده فراوانی می کردند. یکی از غرفه های جشنواره صنایع دستی بود که سبدهای نی آن مشتری فراوان داشت.



▲ موسیقی جزو لاینفک جشنواره های بومی محلی است. در این عکس گروه موسیقی روستا را می بینید که یکی دوبار در حین جشنواره تمرین کرده و آماده اجرا برای مراسم اختتامیه هستند.

▼ اختتامیه جشنواره با استقبال خوب اهالی مواجه شد و برخلاف مراسمات دیگر که همیشه با تاخیر شروع می شود این بار زودتر از موعد مقرر شروع شد و برنامه های متنوعی نیز داشت.





▲ انجام بازی های محلی در جشنواره ۹۲ از برنامه های بسیار جذاب و پرفشار بود که همانطور که در تصویر دیده می شود، بزرگسالان و جوانان و نوجوانان مشغول انجام بازی محلی هستند.



◆ یکی از ویژگی های جشنواره سال ۹۲ استفاده از غرفه های نمایشگاهی بود که به نحو بسیار مطلوبی آماده شده بود اما متأسفانه باد شدید روز دوم نمایشگاه غرفه ها را از جا کند و تیم برگزار کننده مجبور به استفاده از داربست و کیسه های نایلونی شد و باصطلاح نگذاشت جشنواره لنگ بماند. عکس بالا مربوط به غرفه ها با سازه نمایشگاهی و عکس زیر مربوط به غرفه های داربستی است.



▲ یکی از بخشهای ویژه جشنواره وجود خانه گلی (گالی خانه) بود که طرفداران فراوانی داشت و از بچه های کوچک تا سالمندان اعم از زن و مرد مشتری آن بودند و همانطور که در عکس می بینید بچه ها به هر بهانه ای خودشان را زیر کرسی جای می دادند و حتی بعضی وقت ها نیم ساعتی را هم از خستگی می خوابیدند. البته هوا که تاریکتر می شد افراد مسن تر هم جزو مشتریان گالی خانه بودند تا هم خاطره روزگار گذشته برایشان زنده شود و هم زیر نور فانوس و لمپا چای آتشی بخورند و استراحتی بکنند.



◀ در جشنواره امسال هر روز یک اوسانه توسط قدیمی های روستا گفته می شد. مهدی مازندرانی، حاج صغری حمزه ای، حاج باقر شاهکومحلی از جمله اوسانه گوینان جشنواره بودند. و همانطور که در عکس می بینید اوسانه گویی با استقبال خوبی هم مواجه شد.

حیات وحش روستا

محمد عباسی *

حیات وحش و یا دانش و مهارت های اجتماعی زیست محیطی ، نابودی زیستگاه های خرد و کلان با هدف افزایش زمین های کشاورزی و کشت بیشتر و کسب سود بیشتر استفاده بی رویه از سموم کشاورزی جهت نابودی آفت های کشاورزی که منجر به نابودی گونه های مفید هم می گردد، آلودگی آب های سطحی و زیرزمینی به انواع و اقسام آفت کش ها و قارچ کش ها و کودهای شیمیایی و از همه بدتر شکار بی رویه و افزایش سلاح های شکاری از دلایل عمده نابودی حیات وحش در این کشور و باطلع روستای عزیزمان است.

قصد داریم چنانچه توفیقی نصیبمان شود به یاری خداوند در هر شماره به معرفی یک گونه از حیات وحش روستایمان جهت آشنایی خوانندگان محترم و افزایش آگاهی و دانش زیست محیطی و ارتقای فرهنگ زیست محیطی عموم اهالی روستا در صفحه ای تحت عنوان روستا و محیط زیست بپردازیم. امید است فرزندان دوستدار طبیعت و با دانش و فرهنگ زیست محیطی بالا تربیت و تحویل جامعه بدهیم. خوانندگان محترم مطالب و یا انتقادات و پیشنهادهای خود را در خصوص صفحه ی روستا و محیط زیست به دفتر نشریه ارسال نمایند.

صحرايي و انواع پرندگان شکاری از جمله عقاب، سارگيه، دليجه و جغد از نمونه های بارز تنوع زیستی حیات وحش ریز و درشتی است که در سالهای نه چندان دور در داخل زمینهای ملک محمدآباد مثل دیگر گستره های زیستی این مرز و بوم جولان می دادند و زندگی می کردند و زمین هایمان را با حضور خود روح و زندگی می بخشیدند و حالا دیگر نیستند و از بین رفته اند یا آنقدر تعدادشان کم شده که هر چند سال یکبار دیده می شوند.

به هر حال کم شدن تعداد حیات وحش و حتی در مواردی انقراض کلی بعضی از گونه ها در تمامی جهان بویژه کشورهای جهان سوم در حال توسعه من جمله کشور عزیزمان پروسه ای است که شتابان در حال انجام است.

جدای کارکرد اکولوژیک حیات وحش در چرخه ی زیستی اکو سیستم ها من جمله نقش موثر آنها در مهار و کنترل انواع آفت ها و بیماریها یا علف های هرز و یا پراکنش بعضی از گیاهان مفید، نقش بدون جایگزین و بدون انکار زیبا شناختی حیات وحش در دامن طبیعت و تاثیر بسزای آنها در تلطیف روحیات خشن یا دلخای مرده و بی رمق انسانهای عصر ماشین از کار کردهای دیگر حیات وحش است که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت.

سودجویی، فقر مفرط فرهنگ زیست محیطی، عدم آموزش های زیست محیطی به مردم و بویژه کودکان و دانش آموزان در خانه و مدرسه در زمینه های دوستی و علاقمندی به طبیعت و

در سالهای نه چندان دور، رونق کشاورزی و سطح زیر کشت گسترده پنبه و باقلا در زمینهای روستا، وجود لته ها با انواع و اقسام درختان میوه و خوراکی در اطراف روستا یا انبوه بوته های تمشک و نی ها در کنار جاده های کشاورزی و سامان بین مزارع، فراوانی درختان توت، انجیر و انار در کنار بوته های پربرکت تمشک، پوشش، زیستگاه و پناهگاه مناسب و امنی برای زندگی، تغذیه و لانه سازی و زادآوری انواع و اقسام پرندگان و جانوران وحشی ریز و درشتی را فراهم کرده بود و کمتر پیش می آمد که سری به زمین های کشاورزی بزنید و شاهد حضور چند نوع پرند، خزنده و جانور دیگر نباشید. دیدن قرقاول ماده به همراه جوجه هایش در زمان درو گندم و جو یا ظاهر زیبا و پرابهت قرقاول نر با دم بلند و سر و سینه برافراشته یا بچه های خرگوش وحشی در میان باقله زار، شنیدن صدای دل انگیز دراج از نقطه نقطه زمین های روستا، صدای ترسناک ناشی از پرواز ناگهانی بلدرچین و قرقاول از زیرپای مرد و زن کشاورز در میان علف ها یا دیدن لانه های پر از تخم چکاوک زیر بوته پنبه در هنگام وجین، حضور پر تعداد و ابر گونه هزاران سار و مرغ انجیر خوار، لانه های بافته شده زیبای چرخ ریسک ها در بین آفتابگردانهای اطراف پنبه زارها، رد پر پیچ و خم مارها بر خاک گرم و پودر جاده های کشاورزی یا فرار لوس مار ها از روی سامان بین مزارع که آنموقع خیلی پهن تر از امروز بود و صد ها مورد دیگر مانند تشی، جوجه تیغی، گراز، روباه، شغال، گرگ، گربه های جنگلی و

دراج

نام فارسی: دراج

نام علمی: Francolinus Francolinus

نام انگلیسی: Black Francolin

نام محلی: تراج

مشخصات ظاهری:

طول بدن این گونه ۳۳-۳۶ سانتیمتر بوده و در اراضی حاشیه زیستگاه های آبی مناطق دشتی زندگی می کند. بطور مشخص در کشتزارها و سایر اراضی دارای پوشش علفی و سایر مناطق حاشیه رودخانه ها و تالاب های نواحی بیابانی که دارای پوشش درختچه ای علی الخصوص درختان گز می باشد زندگی می نماید. معمولاً در یک زیستگاه زندگی نموده و مهاجرت نمی نماید. این گونه بیشتر در روی زمین ساکن بوده و بیشتر از اینکه دیده شود به واسطه صدایش شناسایی می گردد زیرا موجودی خجالتی و فاقد جسارت است.

نحوه شناسایی:

از نظر جثه به اندازه کبک است ولی در حالت ایستاده بزرگتر به نظر می رسد. جنس نر بواسطه سر و گلو سیاه رنگ، طوقی به رنگ بلوطی در ناحیه گردن، لکه ی سفید روی گونه، پره های بلوطی زیر دم و سیاه رنگ قسمت برونوی دم، لکه های سفید رنگ روی گردن و کمائی شکل ناحیه شکمی و سیخک موجود در ناحیه تارس پا براحتی از جنس ماده قابل شناسایی است. جنس ماده در حالت کلی قهوه ای که در ناحیه سر کمرنگ بوده و دارای یک لکه بلوطی در ناحیه پس گردن می باشد.

صدا: صدای بلند و مشخصی دارد و معمولاً در اولین مواجهه با پرند بطور منظم تکرار می کند. صدا در هفت سیلاب و دارای ریتم منظم و مجزا بصورت «دید-دید-دید-دید» شنیده شده و در بین مردم عامه تداعی کننده جمله «داد حسین کشته شد» می باشد.

تغذیه: انواع دانه های گیاهی و علف های هرز، انواع حشرات و کرم ها

روستای محمدآباد بواسطه داشتن نی و بوته های انبوه تمشک، باغات و لته ها و درختان میوه، پرچین های اطراف زمین ها و ... یکی از بهترین زیستگاه های دراج در منطقه بود و اراضی این روستا زیستگاه تعداد زیادی دراج بود هر چند امروزه دیگر از بوته های انبوه تمشک و یا پرچین های چند صد متری نی حاشیه جاده های



منبع: راهنمای پرندگان ایران، جمشید منصوری

* کارشناس محیط زیست

عزاداری های بعضی ها (۱)

دلسوز دوستان

قدیما که بچه بودم خیلی منتظر محرم بودم، جوری که چند روز قبل از شروع شدن این ماه دنبال جور کردن زنجیر و لباس سیاه و سر ساعت مسجد رفتن و این جور چیزا بودم. وقتی محرم می شد با دیدن رنگ و روی عوض شده خیابان و مسجد و بقیه جاها که پارچه های سیاه خورده بودن خیلی سرشوق می آمدم؛ تا همین چند سال پیش هم همیجوری بودم اما با دُر کمتر، میرفتم مسجد اما نه مثه اون موقع ها، ولی این یکی دوسالی، کلی محرم واسم فرق کرده، امسال!

امسال درس ها و کتاب ها خیلی محرم رو واسم عوض کردن. نتونستم زیاد برم مسجد و عزاداری کنم و صحبت های روحانی رو گوش بدم و توی صف شام دو زانو بشینم و همه کاری کنم جز مسجد آمدن. البته دروغ نباشه تاسوعا و عاشورا رو رفتم مسجد و واسه رفته گان بانیاں خیر فاتحه ای گفتم. اما طبق معمول یا شاید قانون نانوشته مسجد که جوان ها باید آخر بشینن، اون آخرها اتراق کردم! بعد از اتراق کامل و استقرار، کاملاً حواسم رو جمع کردم و متوجه دوست میانسال عزیزی شدم که انگار یکی از بلندگوهای مسجد رو جای گلایی قورت داده بود و مشغول یاد آوری اموات و اجداد گرامی شخص سخنران به من و بقیه و شاید هم خودش بود، خلاصه بعد از عرض ادب این دوست عزیز همین که خواستم جلو رو نگاه کنم دیدم به جوان گرامی جلوم سبز شده و سرش پایینه و دوتا دستاش بین سرش و زمین بود و با خودم گفتم چه جوان های پاک و مخلصی داره این روستا و ما خبر نداشتیم چون توی این فکر بودم که حتما داره تسبیح میندازه و استغفار میکنه یا صلوات میفرسته، خودمو اینور اونور کردم و دیدم بله، دوستمون داره ذکر میگه اما خوب از نوع پیشرفته چون داشت با گوشی مبارک ذکر می گفت! سرمو حدود ۹۳ درجه به سمت چپ دور دادم و دیدم توی مسجد بعضی افرادی که آخر میشینن مدرنیزه ذکر میگن و بعضی ها هم که انقدر حاجت داشتن زبان شون بین دندان ها گیر کرده بود! البته مورد داشتیم توی همین جوانان شایسته و والا مقام، گاهی از فرط ذکر گفتن شصت دست شون بهم گره خورده بودم! حس دانستنم گل کرد و توی گوشی ۳-۴ نفر دور و برم به سرکی کشیدم و متوجه شدم بعضی از هم روستایی های محترم مشغول کورس در جاده های موبایل با فناوری بلوتوث اند، و از همونجا به جناب تکنولوژی و جناب بلوتوث سلام و عرض ادب بسی گرم و خالصانه ارزانی داشتیم و سپاس گذار ایشان شدم که که جوانان این روستا رو از بیکاری در آورد. صحبت های روحانی تمام شد، سفره ها پهن شد! شام رو هم دور هم خوردیم، البته در جوار گلایی خور معروف و کمی تا قسمتی یادآوری اموات به عنوان چاشنی توسط ایشان و دیگر دوستان. بعد از شام و فاتحه رفتن خانه تا فردا شب که مسجد، آخر، تکنولوژی.

بعضی افرادی که آخر میشینن مدرنیزه ذکر میگن و بعضی ها هم که انقدر حاجت داشتن زبان شون بین دندان ها گیر کرده بود!

شب بعد ولی یکم فرق داشت، این شب هم همین معمای کورس و جاده و دعاها ی سنگین و اینها بود، ولی با به تفاوت که خیلی به مذاق برویج دعاگوی آخر خوش اومد داستان از این قراره که وقتی روحانی مشغول روضه خوانی آخر منبر بود، من وسطا نشستم بدم و سرم پایین بود، خواستم سری بالا بیارم و بینم برویج دعاگوی ما در چه حالن، مشغول دعا ان یا نه؟! دیدم ذکر گویی تمام شده و یکی داره داره با ابزار آلات لهو و لعب به شیوه ی سرخ پوستی پیشرفته البته، به برادران بیرون مسجد علامت میده که میخوام اینجا با تو باشم، زیر اشک و دردا دوباره / ولی افسوس افسوس که دست حاجی مون خطا میره و به روحانی علامت میده! ای بابا حالا نه به بار، نه دوباره، سه بار دستش خطا میره و بالاخره روحانی محترم مجبور میشه بگه آقا نکن و حاجی مون مجبور میشه یکم دست مبارک رو تنظیم کنه تا درست خبر رو بده و وقتی لامپها روشن شد، شاهد سیل دوستان عزادار باشیم و جلای از این مسائل سرخ پوستی و اشتباه تنظیم کردن دست، اون شب قرار بود دو روستای همجوار مهمان ما برای عزاداری باشند. هنگامه ی عرض اندام بود و آبرو داری روستا توسط پرچم داران آن شب یعنی زنجیر زنان واقعی امام حسین (ع)! بعد از صرف شام و فاتحه و بیرون آمدن مردم از مسجد، نوحه خوان در جایگاه بود و نوحه شروع شد و طبال ها و زنجیر زنان مشغول صف آرایی برای خوش آمدگویی. کم کم صداها بالا گرفت و زنجیر زنی هیئت روستا شروع شد، کمی طول کشید تا عزاداران گرم شوند و آماده عرض اندام شوند، اما عرض اندام کمی تا قسمتی نیمه زود شروع شد! حواسم رو جمع کردم که متوجه عامل یا بلای طبیعی ای به نام سرعتگیر، جلوی حسینیه شدم، هر کسی این بالا رو رد میکرد دورش تند میشد و صدای طبل و سنج و نیروی زنجیر زدن به حد اعلا رسید که دوباره بلای خانمان سوز به جان جوانان روستا افتاد و دور رفقا رو کم کرد، هنوز هیئت های دو روستای دیگر نرسیده بودند که زنجیر زنان به ناچار به سمت مسجد برگشتند، اما انگار ول کن جوانان ما نبود این مردک سرعتگیر، اینبار کمی تنوع ایجاد کرده بود، چون نیرو کم شد و دُوران سرها افزایش یافت و اندکی جلوتر از در حسینیه تمامی توان به صفر رسید و نیروی عزیزان سقوط کرد و این هنگام بود که هیئت دو روستای همسایه وارد روستا شدند اما!

امیدوارم مجبور نشم عزاداری های بعضی ها (۲) رو بنویسم!

دستورسی به تصویر فراخوانده شده امکان پذیر نمی باشد. جهت رسیدگی به گزارش ها و شکایات لطفاً کلیک کنید.		
موتور جستجو • دمو • خدمات • پارسینو • ...	پست الکترونیک • حق مال دنیا • انجیل ایران • ...	فرهنگی و مذهبی • قرآن • ...
خانواده و سرگرمی • خانواده سبز • ...	انترتین گالری • ...	چشمه بخاری • ...
علمی و آموزشی • ...	خبری • ...	کار و سرمایه ایرانی • ...

ای آنکه به آقا و مولایت افتخار میکنی، آیا آنگونه خواهی بود که اون نیز به تو افتخار کند؟

بزار بچه ها راحت باشن!

سیزدهمین روز از فروردین روز طبیعت نام گرفته و طبق رسوم قدیمی همه ی مردم از خانه بیرون و به طبیعت رفته . به سری از مردم محمدآباد به بیرون از روستا رفته اما بیشتر محمدآبادی ها رو توی این روز باید روی دیواره ی آب بنان روستا دید! امسال که مثل هرسال رفتیم به دوری روی دیواره ی آب بنان بز نیم، چشم صحنه های خاصی دید که تاحالا ندیده بود! امسال افراد مختلفی از جمله محمدآبادی و غیر محمدآبادی اقدام به گرفتن ماهی کرده بودن که شورای اسلامی روستا با ماهی گیری مخالف بود و اقداماتی مثل دور زدن با قایق در حاشیه آب بنان و حضور سرباز نیرو انتظامی در روی دیواره بود و از اقدامات سرافرازانه و افتخار آفرین بچه های محمدآباد که واقعا آبروی روستا رو حفظ کردن، دعوا و درگیری با سربازها و فحش دادن به یکی از اعضای شورا که با قایق مشغول کار بود. واسه من به سوال پیش آمد که چرا باید توی محمدآباد جلوی بچه محمدآبادی ها رو گرفت و تو کارشون دخالت کرد؟ این کار اصلا خوب نیست و من به همین دلیل با آقای خلیل مازندرانی گفتگویی داشتم.

محسن حمزه ای

پول فروش ماهی و درآمد آب بنان کجا استفاده می شه؟
کل پول تحویل هیئت امنای آب بنانه، هیئت امنای به مبلغی برای آب بنان هزینه میکنه و به پولی رو به شورا میده که شورا به مقدار از این پول رو به باشگاه و به مقداری هم به دهیاری میده که پول دهیاری صرف هزینه های عمران و آبادی روستا مثل: احداث جدول، تجهیز پارک و ... شورا برای ساختن ساختمان دهیاری از پولی که از آب بنان گرفته بود به دهیاری کمک کرد. آب بنان مخصوص اهالی محمدآباد یعنی کسانی که خانواده و کل فامیل شان توی محمدآباد بودن، غریبه ها و مهاجرهایی که به محمدآباد آمدن سهمی از آب بنان و امکاناتش ندارن، چون زمین آب بنان مال پدر و پدر بزرگهای محمدآبادی ها بوده که الان شده آب بنان.

چرا کسی نباید ماهی بگیره؟

اگر به محمدآبادی بیاد قلاب بندازه و ماهی بگیره، فردا همه توقع دارن که برن قلاب بندازن و ماهی بگیرن! اگر امسال ماهی بگیرن و هیئت امنای ماهی ای نداشته باشه که بگیره یا ماهی ای که میگیره کم باشه، در اون صورت درآمدی نداره پس بچه ماهی سال بعد هم وجود نداره! اگر پولی نباشه روی آب بنان هزینه بشه و به آب بنان رسیدگی نشه خود به خود از بین میره و باید از خیر آب بنان بگذریم و بذاریمش تا از بین بره.

اگر ماهی بگیرن چی میشه؟

اگر بگیرن نیست، نباید بگیرن! باید حلال و حرام سرشان بشه چون این ماهی و پول ماهی مال لونا تنها نیست مال همه ی مردم. وقتی ۳ کیلو ۴ کیلو ماهی رو ببره به ۲۵۰۰، ۳۰۰۰ نفر محمدآبادی مدیونه؛ چون هیچکس راضی نیست حق ش خورده بشه. اون کسی که ماهی میگیره از پول عمران و آبادی روستا کم کرده و به روستا ضرر رسانده نه به شورا و هیئت امنای. ما باید پارسال ۱۲ تن کپور میگرفتیم، ولی کلا کمتر از ۲ تن کپور گرفتیم که با کپور کیلویی ۹ هزار تومان یعنی ۹۰ میلیون تومان ضرر به روستا.

دلیل دور زدن شما با قایق چی بوده؟ (با وجود مخالفت یک سری)

ما میخوایم حق مردم پایمال نشه و حق هر کسی باید بهش برسه، کسی حق نداره از حق دیگری زدی کنه! اگر من شورا رو ۱۳ بدر چشممو روی ماهیگیری ببندم، این کار درستیه؟ این برای من شورا قابل قبول نیست که ببینم حق هم روستاییم داره پایمال میشه و من فقط نگاه کنم! مردم به ما اعتماد کردن که رای دادن پس ما هم باید به این اعتماد جواب مثبت بدیم. اگر ۵۰ نفر، نفری ۳ تا ماهی بگیرن، این میشه ۳ میلیون تومن! این سه میلیون مال همه مردم، مال اون ۵۰ نفر نیست، مال ۸۰۰ - ۷۰۰ نفره محمدآبادیه از بچه شیرخواره تا پیرمرد ۸۰ ساله. کسی حاضره این حق ازش گرفته بشه؟

شاید یک سری که مخالف دور زدن شما بودن، یا همون افرادی که ماهی گرفتن، راضی باشن که حقتان گرفته بشه!

اصلا اینجوری نیست؛ کل کشاورزایی که حاشیه ی رودخانه زمین دارن از همون اول رودخانه تا جایی که آب میرسه به آب بنان، آب میگیرن تا زمین تخت کنن و حالا استفاده های دیگه! شورا هرسال میاد خوب تمیز میکنه، اجاره آب میده و ... ، کدام یکی از این آقایان میاد به قرانی بده به شورا بگه این حق استفاده من از آب؟ هیچکدام! هیچ کس قبول نداره به شورا کمک کنه همه میخوان از شورا بگیرن و ضرر برسانن.

ماهی گیری از آب بنان آزاده؟ (چه ۱۳ فروردین و چه روزای دیگه)

نه! ماهیگیری روز ۱۳ فروردین یا روزای دیگه اصلا آزاد نیست

روز سیزده فروردین یکی میگفت آزاده!

اون فردی که میگه آزاده احتمالا اطلاعی از عواقب و چیزای دیگه نداره! مگه توی کشور و دین ما دزدی از بقیه آزاده؟ اون آدمایی که ماهی میگیرن یا کسی که میگه ماهی گیری آزاده، حاضره کسی جلوی چشمش بره توی خانه ش و وسیله برداره و اونم چیزی نگه؟

چرا شما برنامه تفریحی برای ۱۳ فروردین نداشتید؟

یکی از مشکلات ما همین بود که واسه این روز هیچ برنامه ای نداشتیم، اگر شورا و هیئت امنای آب بنان برنامه داشت، مطمئنا همچین اتفاقاتی پیش نیامد و ما مجبور نبودیم جلوی بچه محمدآبادی ها رو بگیریم، باید برنامه ای بود که مردم تفریح میکردن توی این روز! به برنامه ای داریم سعی داریم سال بعد به کارایی انجام بدیم.

این برنامه آینده شورا و هیئت امنای چه؟

روز ۱۳ فروردین باید ۳-۲ تا قایق باشه، به ورودی کم از مردم بگیریم و سوار قایق بشن توی آب دور بدیم تا هم تفریح بشه و هم خستگی نشستن و بی حالی توی مردم نباشه؛ توی جلسه ها باید برگزاری مسابقه ی ماهیگیری مطرح بشه و همه نظر بدن و باید این روزهای خاص همه بیان پای کار تا کار خوب انجام بشه نه اینکه امروز بگن میایم، فردا کسی نباشه.

حرف آخر؟

مردم باید توی تمام کارها پشتیبان شورا و دهیاری و ... باشن، مردم ما نباید بنان کابل و تابلوهای آب بنان رو بدزدن چون این کار باعث شد امسال کل شالیکاری محمدآباد عقب بیفته؛ خود مردم محمدآباد باید مواظب باشن کسی از بیرون نیاد ماهی بگیره، وقتی به محمدآبادی ماهی بگیره اون غریبه هم میگه خودشان دارن میگیرن کسی چیزی نمیکه یکی هم من و راحت میشینه ماهی میگیره! مردم ما اگر کسی رو دیدن که داره ماهی میگیره باید به طرف بگن، آقا ببخشید این کار ممنوعه، این ماهی حق من و مردم روستامه! خودما باید به فکر روستای خودما باشیم.



مال مردم، تفریح سالم!!!

محمد عباسی *

چند سال است روزهای سیزده بدر به را به اتفاق خانواده و اقوام روی آب بندان می رویم. از همان چند سال قبل، چند نفر که به تعداد انگشتان دست هم نمی رسیدند هر کدام یک قلاب دست گرفته بودند و به قول خودشان ماهیگیری تفریحی می کردند و وقتی با اعتراض اعضای شورا روبرو شدند گفتند که «ای بابا یک روز می خواهیم تفریحی یک دانه ماهی بگیریم این شورا چشم نداره ببینه داریم تفریح سالم می کنیم» و خانواده هایشان گفتند که «ناور مال مردم است و مال خودشان را میگیرند، حالا اگر سیزده بدر محمداًباده ماهی بگیرند مگر چی می شه، اینهمه شورا می خوره هیچ چی نیست، مردم می خوادمال خودشان را هم بگیرند نمی تواند ببینند».

بالاخره سیزده بدر چند سال پیش گذشت و با آگاهی با بی آگاهی خانواده ها، ماهیگیران عزیز سیزده بدر، آب بندان را محلی برای تفریح سالم ماهیگیری و ماهیگیری را نیز ورزشی سالم و مفرح یافتند و ماهیگیری تفریحی خودشان را کم و بیش در طول سال ادامه دادند چون «ناور مال مردم است و مردم (چند نفر) دارند مال خودشان را می گیرند» و هر سیزده بدر به تعداد ماهیگیران تفریحی اضافه شد و کم کم ماهیگیری تفریحی سالیانه برای بعضی ها تبدیل به حقی شد که خانواده هایشان نیز حاضر نبودند این تفریح و حق سالیانه را از دست بدهند و کار به سمتی پیش رفت که عزیزی که می خواستند ماهیگیری بکنند ابتدا فتوا دادند ماهیگیری برای محمداًباد در روز سیزده بدر آزاد است و این فتوا را برای خودشان در طول سال اجرا کردند و در سیزده بدر امسال شایعه شد که ناور نوشته ماهیگیری روز سیزده بدر برای محمداًباده آزاد است. به هر حال روز سیزده بدر من خودم رفتم و دیدم و اینها را برای کسانی می نویسم که نبودند و ندیدند و یا بودند و نخواستند ببینند.

سیزده فروردین ۹۲

ساعت ۹ صبح در محل ورودی آب بندان، یک نفر غریبه در کمال خونسردی و فراق بال مشغول ماهیگیری تفریحی از آب بنان روستای محمداًباد بود و چند محمداًبادی

دیگر هم در کنارش ایستاده بودند و یک نفر هم مشغول همراهی در ماهیگیری بود، بر حسب وظیفه و به عنوان یک محمداًبادی نه به عنوان شورای روستا گفتم که شما برای چی ماهی می گیری چکاره ای که اینجا آمدی؟ که هم محلی عزیزمان گفت مهمان من است و با من آمده و من گفتم «به هر حال ماهیگیری از آب بندان محمداًباد ممنوع است و کسی حق نداره ماهی بگیره»

و یک دور مختصر دور آب بندان زدم و دیدم خیل مشتاقان محمداًبادی و حتی غیر محمداًبادی از چند قومیت و ملیت را که در کنار هم و در جلوی چشم تمام محمداًبادیه با دقت و جدیت تمام مشغول ماهیگیری تفریحی بودند و به عبارتی روز سیزده بدر امسال آب بندان محمداًباد بین المللی شده بود، به غریبه ها تذکر دادم شاید بقیه هم متوجه بشوند وشاید حداقل یک نفر از محمداًبادیه پیدا بشود و حلال به ماهیگیری و بردن مال محمداًبادیه توسط غریبه ها اعتراض کنه ولی متأسفانه کسی پیدا نشد. یکی از اعضای شور آمد و گفت قایق را روبراه کنیم و بیندازیم

داخل آب و دور آب بندان دور بزیم تا ماهی ها فرار کنند و به قلاب نیفتند و کمتر صید بشوند اگر همینطور پیش بره تا غروب کلی ماهی چند صد گرمی کپور گرفته می شود و خسارتش خیلی می شود. همین کار را کردیم تا شاید کسانی که مطمئن هستند شورا ماهیگیری را در سیزده بدر آزاد کرده حالا متوجه بشوند که دروغ است و هیچ ماهیگیری روی آب بندان آزاد نبوده و نیست. چند دور زدیم و من به مردم گفتم که ماهی نگیرند و به دوستم گفتم که دیگر بس است و اگر کسی میخواست باید تا بحال متوجه شده باشد. و من پیاده شدم ولی آن عزیز چند دور دیگر هم زد تا همه متوجه بشوند و نم در کمال تأسف شاهد حمایت

خانواده ها از عزیزان ماهیگیرشان بودند و بجای تشکر از عضو شورا برای حفاظت یک تنه از مال و ثروت محمداًبادیه گفتند که پسر فلانی برای پدرش و من زنگ زدم و خواهش کردم تا کار را تمام کند و تمام کرد.

و من تاغروب شاهد بودم که آن هم محلی محترم با سخاوت و بخشندگی تمام اجازه داد مهمانش از صبح تا غروب از مال من و شما و تمام محمداًبادیه ماهی بگیره و تفریح کنه و کلی خوش بگذرانه در حالیکه مطمئن هستم آن هم محلی عزیز اگر از باغ پدرش بود هیچوقت اینقدر سخاوتمند و دست و دل باز و مهمان نواز نبود و شاهد بودم چند نفر از ماهیگیران تفریحی سالیانه به خود اجازه دادند با آن عزیز شورایی درگیر شده و در حمایت کامل خانواده ها و همقطاران نشان و در برابر دیدگان بی تفاوت و بی مسئولیت دیگران به ایشان اهانت کنند.

و من خودم شاهد بودم که یک محلی عزیز در عرض چند ساعت ۲ بار رفت و خورجین موتورش را که با ماهیگیری تفریحی از آب بندان محمداًباد و از ماهی های ۳۰۰ - ۴۰۰ گرمی کپور که برای پرورش و درآمدزایی روستا خریداری و رهاسازی شده بود پر کرد و رفت جلوی چادر خانواده اش خالی کرد و برگشت و من دیدم که چقدر بعضی از مردم از تاراج شدن مالشان به دست خودی و غریبه خوشحال بودند و به آنها خوش می گذشت و خودشان را توجیه می کردند که ای بابا همین یک روز است و مردم فقط می خواهند تفریح کنند و ناور مال مردم است.

راستی شاید تا به حال برنامه های مستند ماهیگیری را از تلویزیون دیده باشید که یک نفر علاقمند ماهیگیری چند هزار دلار هزینه می کند و به کشورهای دیگر سفر می کند و یک ماهی بزرگ صید می کند و بعد از اینکه با ماهی عکس گرفت و آن را وزن کرد و قدش را اندازه گرفت ماهی را رها می کند. راستی اگر تعریف ماهی گیری تفریحی این است که گفتم پس به ماهی گیری از آب بندان و سر سفره خانواده و یا دوستان میل کردن و یا فروختن ماهی را چه باید گفت، باز هم ماهی گیری تفریحی؟!

به هر حال آب بندان مال مردم محمداًباد است و ماهی ها و ثروت آن هم مال محمداًبادیه است بنابراین بعضی ها خودشان را توجیه می کنند و ماهیگیری از آب بندان را گرفتن مال خودشان می دانند

و توقع دارند که روز سیزده بدر ماهیگیری آزاد باشد بخصوص از نوع تفریحی و با آن کیفیتی که در بالا تجربه ی آن را گفتم. سوال: اگر ناور «مال مردم» است که واقعاً هم است پس چرا می رویم و از آب بندان که «مال مردم است» ماهی می گیریم و می گوئیم که مال خودمان را گرفتیم؟ مال مردم که مال من و یا شخص دیگر نمی شود.

بنابراین نفت و گاز و پیل و بنزین و ... ثروت ملی ایران و مال مردم ایران است ولی آیا شنیده و یا دیده اید که کسی تفریحی برود و هر روز باک ماشینش را مجانی پر از بنزین کند و مطمئناً بسیار تفریح سالم و لذت بخشی هم هست. یا اینکه شرکت نفت اعلام کند روز سیزده بدر پمپ بنزین ها آزادند و هر کس می تواند هر قدر که خواست رایگان بنزین بزند فقط مشروط به اینکه تفریحی باشد و یا اینکه نیروی انتظامی اعلام کند فلان روز آزادی است و هر کس آزاد است و می تواند اموال عمومی و بانک ها را بگیرد و با خودش برود و استفاده کند فقط به شریط اینکه ظاهرش تفریحی باشد؟

راستی بنظر شما تعریف «مال مردم» به معنی «مال من» است و به معنی این است که هر وقت و هر چقدر خواستیم از مال تمام مردم بردارم و ببرم چونکه منم جزو مردم هستیم؟! آیا «مال مردم» بودند به این معنی است که مردم فقط در سود آن شریک هستند و وظیفه ای در حفظ مال خودشان (مردم - عمومی) ندارند و فقط وظیفه شورا و مسئولین است.

حساب و کتاب به عهده مردم (لطفاً حساب کنید)

۱. روز سیزده بدر چند نفر ماهی گرفتند؟ چند تا ماهی؟ چند کیلو ماهی؟ لطفاً ضرب در قیمت ماهی کپور کنید و ببینید چقدر می شود؟

۲. در ایام سال بطور متوسط چند نفر روزانه مشغول ماهیگیری تفریحی! روی آب بندان هستند؟ چند تا ماهی می گیرند؟ چند کیلو ماهی در روز می گیرند؟ مقدار روزانه را در قیمت هر کیلو ماهی کپور بکنید سپس ضرب در ۳۶۵ روز یعنی روزی سال بکنید.

صفر ها را خوب بشمارید، رقم صحیح است. حساب و کتاب همیشه خوب است مثل فکر کردن. نقش من و شما بر حفظ اموال عمومی و ثروت خودمان چقدر است و چقدر به مسئولیت خودمان عمل کرده ایم؟ نقش من و شما در بوجود آمدن این وضعیت چقدر است؟ اگر همه ما کمی، فقط کمی احساس مسئولیت می کردیم و زیاد عافیت طلب و محافظه کار نبودیم و یک تذکر کوچک به این تفریح گران عزیز می دادیم آیا همه چیز درست نمی شد؟

به هر حال وظیفه من گفتن بود، مثل یک دور یا دو دور چرخیدن با قایق در داخل آب بندان در روز سیزده بدر، مطمئن هستم هر کسی که میخواست باید متوجه شده باشد.

* عضو دوره سوم شورای اسلامی محمداًباد

گفتگو با ناجی نمونه کشور

علی خورشید کلایی



در میان ورزشهای متداول دنیا شنا از ورزش های سنتی و قدیمی به شمار می رود که در دین اسلام نیز به یادگیری آن تاکید شده است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می فرماید حق فرزند بر پدر و مادر این است آنگاه که به دنیا آمد برای او اسم نیک انتخاب کنند و کتاب خدا را به او آموزش دهند و او را تزکیه کنند و ورزش شنا به او بیاموزند. چندی پیش باخبر شدیم که آقای علی اصغر غفاری غواص دوره های جنگ و مری بر جسته شنای استان گلستان موفق به کسب مدرک بین المللی غواصی (C.M.A.S) و همچنین به عنوان ناجی نمونه کشور و مدرس نجات غریق کشور شناخته شده اند. گفت و گویی با ایشان در همین زمینه داشتیم.

و هم در مانورهای دریایی شرکت کردم.
● درباره گواهینامه و مقامهایی که تا به امروز کسب کرده اید توضیح بفرمایید.

در سال ۷۰ موفق به کسب گواهینامه درجه ۲ و در سال ۸۰ موفق به کسب گواهینامه درجه ۱ نجات غریق شدم. در سال ۹۰ موفق به عنوان ناجی نمونه کشور شناخته شدم.

در سال ۹۱ موفق به کسب گواهینامه درجه ۳ بین المللی غواصی (C.M.A.S) شدم؛ همچنین مدرس غواصی ۱ ستاره بین المللی را نیز در سال ۹۱ کسب کردم. همچنین مقامهای، قهرمانی مسابقات شنا نیروی زمینی سپاه - کسب مقام های سوم و پنجمی و ششمی در مسابقات شنای پیشکسوتان نیروهای مسلح کشور، تهران سال ۹۰ و مشهد سال ۹۱ در رشته های پنجاه متر آزاد و قورباغه را کسب کردم.

● چرا پیگیر دریافت مدرک بین المللی غواصی شدید؟
برحسب نیازی که در استان گلستان بود و با توجه به اینکه دوره های تخصصی غواصی را در نیروی دریایی و فلات قاره کشور در محمودآباد گذرانده بودم و مدرک یک ستاره آن را داشتم برای گرفتن مدرک ۲ و ۳ ستاره در کلاسهای

● مختصری از زندگی نامه خود را بفرمایید و اینکه چگونه به ورزش شنا روی آوردید؟

در سال ۱۳۴۴ در روستای محمداًباد و در خانواده ای متدین زاده شدم؛ در سن ۱۳ سالگی وارد جریان های انقلاب و در ۱۶ سالگی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شدم. در سال ۱۳۶۵ برحسب نیازی که جنگ داشت و با علاقه ای که به شنا داشتم وارد نیروی دریایی شدم و در یگان دریایی بندرگز دوره مقدماتی شنا را گذراندم و وارد آموزش های غواصی شدم و دوره تخصصی غواصی را در انزلی به مدت یک سال گذراندم که در این مدت توانستم دوره های تست اتاق فشار و تست اکسیژن را با موفقیت پشت سر بگذارم. آموزش های تخصصی شنا را هم در رشت و بندر انزلی به مدت ۴۵ روز گذراندم که مربی اصلی من در آنجا آقای گل پرور بودند. بعد از آموزش شنا وارد غواصی سطح آب و غواصی زیر آب شدم و بعد از گذراندن ۷ تا ۸ ماه این دوره ها به عنوان مربی غواصی شروع به کار کردم. بعد از گذراندن دوره های تحقیقاتی و مین های دریایی به مدت دوسال در منطقه یک نیروی دریایی بندرعباس شدم و در آنجا به عنوان مربی غواصی



آرم کنفدراسیون جهانی
ورزش های زیر آبی

در ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۵۸، نمایندگان فدراسیون های زیر : جمهوری فدرال آلمان، بلژیک، برزیل، فرانسه، یونان، ایتالیا، موناکو، پرتغال، سوئیس، ایالات متحده آمریکا و یوگوسلاوی در کنگره ای در بروکسل به مناسبت تأسیس کنفدراسیون مستقل بین المللی جمع آوری و در بر گیرنده تمامی رشته های زیر آبی ملاقات کردند. با این هدف، یک جلسه در ۹ و ۱۱ ژانویه، ۱۹۵۹ در موناکو برگزار می شود و تصمیم به ایجاد «کنفدراسیون جهانی فعالیتهای زیر آب» به اختصار «CMAS» گرفته می شود. این کنفدراسیون موفق گردید، به طور خاص تمامی وظایف و مسئولیت های، «Comité des Sports» «Sous-Marins» (کمیته ورزش زیر آب) را از کنفدراسیون بین المللی ماهیگیری ورزشی که در ۲۲ فوریه سال ۱۹۵۲ تأسیس شده بود را کسب نماید



گواهینامه سه ستاره بین المللی آقای غفاری

پیشینه ورزشی

کارنامه ورزشی غفاری مختص به شنا نیست و وی در دیگر رشته ها نیز دستی بر آتش دارد.

ایشان در سالهای ۷۱ الی ۸۶ مسئول امور مشترک هیئت های ورزشی استان گلستان بود. همچنین بعنوان مربی غواصی نیروی دریایی سپاه پاسداران استان های مازندران و گلستان و منطقه ... بندر عباس در سال های ۶۵ تا ۷۰، رئیس هیئت نجات غریق و غواصی شهرستان گرگان از سال ۸۹ تا کنون، دبیر هیئت نجات غریق و غواصی استان گلستان از سال ۸۸ تا کنون، مسئول کمیته آبهای آزاد شنا استان گلستان از سال ۸۹ تا کنون، مربی تیم شنا استان گلستان در رده سنی نونهالان و نوجوانان، مربی تیم شنا استان گلستان در سال ۸۲ و دستیابی به مقام قهرمانی کشور در مشهد به همراه این تیم، سرپرست تیم والیبال فجر آق قلا در مسابقات دسته یک کشور سال ۸۶، سرپرست تیم والیبال فجر آق قلا در مسابقات سوپر لیگ کشور سال ۷۸ و ۷۹ و کسب مقام چهارم، مربی سرپرست تیم والیبال فجر گلستان در مسابقات نیروی زمینی سپاه کشور در سال ۷۹ که موفق به کسب مقام نائب قهرمانی گردید، سرپرست تیم فوتبال فجر گرگان در مسابقات دسته یک کشور، دبیر جودو شهرستان گرگان در سال ۷۸، دبیر جودو استان گلستان از سال ۸۳ تا ۸۷، سرپرست تیم جودو گلستان در مسابقات دسته یک کشور در سال ۸۵ و راه یابی به مسابقات سوپر لیگ کشور، سرپرست تیم جودو استان گلستان در مسابقات سوپر لیگ جودو کشور سال ۸۶، سرپرست نمونه کشور در مسابقات لیگ جودو کشور سال ۸۹ و همچنین چند دوره عضویت در شورای ورزشی روستای محمدآباد را تجربه کرده است و هم اکنون رئیس شورای ورزشی محمدآباد است.



از راست: شهید شعبان علیپور، علی اصغر غفاری، نوراله سعادت و قربان حمزه ای در حال برگزاری مسابقات فوتبال جام رمضان

فواید ورزش شنا

نکته قابل توجه در افرادی که به ورزشهای آبی روی می آورند این است که ورزش شنا نه تنها عضلات شکم را تقویت می کند بلکه از بروز افتادگی شکم که از دلایل اصلی کمر درد است جلوگیری می کند. شنا بهترین ورزش است که اعتماد به نفس را افزایش و خلاقیت را رشد می دهد. و در آخر انتظاری که از هم محلی های خود دارم که با توجه به شرایطی که بنده در هیئت شنا استان در رده سنی نونهالان و نوجوانان استان دارم و دبیر نجات غریق استان و مدرس نجات غریق کشور هستم در خدمت هم محلی های عزیز هستم.

با توجه به سفارش دین مبین اسلام به فراگیری ورزش شنا به خانواده ها توصیه می شود جهت فراگیری شنا فرزندان خود را به استخرهای امن و مربیان متخصص و متعهد معرفی نمایند. در دنیای امروز شنا به عنوان ورزش مادر یاد می شود. این رشته با توجه به اهمیت آن و تأثیری که بر آمادگی جسمانی و شفا بخشی و نشاط بخشی به یادگار می گذارد فواید زیادی دارد و پرداختن به آن از کودکی تا بزرگسالی امکان پذیر است. تمرین و راه رفتن در آب در درمان دردهای مفاصل، کمردرد، زانودرد، فشار خون و آسم موثر است و در تسکین دردهای استخوانی و عضلانی سهم بسزایی دارد.

خانواده هایی که چندین روز بچه شان توی سد یا آب بندان های منطقه غرق می شدند و چشم به راه بودن تا جسد بچه شان رو ببین! اما بدترین غواصی ای که داشتم، مربوط به گل رامیان بود که یک بنده خدایی غرق شده بود، از سراسر کشور غواص آمده بود اما کسی نتوانسته بود جسد رو پیدا کنه چون عمقش خیلی زیاد بود و جریان آب در گل رامیان در پایین آن شدت زیاد دارد و در بالا آب راکد به نظر می رسد، یک جریان قیفی شکل در اعماق آن وجود دارد که کار غواصی را خیلی سخت میکند و غواص را فرو می کشد! به مدت ۱۱ روز من و آقای پرورش که از باختران آمده بودند گشتیم تا توانستیم جنازه را پیدا کنیم.

حرف آخر؟

در آخر جا دارد تشکر کنم از مربیان عزیزم آقایان گل پرور، سلیمانی، حاج محمدی، ملاحی فر و استاد فروغ که زحمات زیادی برای بنده کشیدند و همچنین توصیه می کنم به خانواده ها که فرزندان شان را به ورزش به خصوص ورزش شنا تشویق کنند و بنده نیز به عنوان عضو جامعه ورزشی در روستای محمدآباد و استان گلستان با توجه به تجارب در خدمت هم محلی ها و هم استانی های عزیز هستم در زمینه شنا، غواصی و نجات غریق در خدمت هم محلی ها و هم استانی های عزیز هستم.

که در جزیره قشم برگزار می شد شرکت کردم و در سال ۹۱ با دوره های چند ماهه ای که در این جزیره برگزار می شد توانستم مراحل را با موفقیت پشت سر بگذارم و گواهینامه ۲ و ۳ ستاره بین المللی غواصی را کسب کنم؛ بعد از گذراندن این دوره ها وارد دوره مدرسی یک ستاره غواصی بین المللی شدم و هم اکنون به عنوان اولین مدرس غواصی استان گلستان در خدمت هم استانی های عزیز هستم.

● اکنون در زمینه غواصی و شنا و نجات غریق به چه فعالیت هایی مشغول هستید؟

کلاس های غواصی با صدور گواهینامه بین المللی را شروع کردیم، همان دوره ای که در جزایر جنوب برگزار می شود در اینجا نیز آموزش داده می شود. که از نظر هزینه خیلی به نفع علاقمندان خواهد بود. مثلاً برای گرفتن یک مدرک ۳ ستاره بین المللی حدود ۶ میلیون باید هزینه می کردند در حالی که می توانند هزینه ۲٫۵ تا ۳ میلیون مدرک ۳ ستاره بین المللی بگیرند. همچنین مشغول برگزاری دوره های آموزشی شنا در رده های مختلف سنی و آموزش نجات غریق درجه ۲ و ۱ کشوری در استخر های گرگان هستیم.

● از خاطراتی که در دوران غواصی داشتید؟

غواصی همیشه خاطره است. مخصوصاً غواصی هایی که دوره جنگ انجام میدادیم و یا غواصی هایی که برای پیدا کردن اجساد؛

کندس شاه که خیالش از بابت خانه و اقامت راحت شده بود، حالا با اسم مستعار « کامبیز کندس خواه » داشت در اطراف گرگان زندگی میکرد. والی سفارش کندس شاه را به فردی به نام «طارق» کرده بود و به او گفته بود که زن و بچه ی آقای کندس خواه در یک حادثه مرده اند حالا آمده تا در یک جایی دور از شلوغی و هیاهوی شهر زندگی کند و کندس شاه را آدمی دست به خیر معرفی کرده بود و به طارق گفته بود از او در روستا استفاده کنید. کندس شاه در هفته اول سکونتش حرفی از انتخابات نزد و در این یک هفته به مسجد میرفت و به کمک طارق و پول والی یک مغازه عطرفروشی نزدیک خانه اش راه انداخت و شروع به ساختن یک مکتب نزدیک مسجد کرد. بعد از حدود یک هفته، یک شب کندس شاه طارق را برای شام به خانه اش دعوت کرد و در مورد انتخابات و قصدش برای کدخدا شدن با طارق صحبت کرد و گفت اگر به من کمک کنی هم پول خوبی میگیری و هم اینکه اگر کدخدا شدم تو را فراموش نمیکنم. طارق هم تا اسم پول شنید بی بهانه و شرط و شروط حرف شاه را قبول کرد و گفت من هر کاری لازم باشه انجام میدهم پولش با شما، بقیه اش مشکلی نیست و سپس هر دو شروع به خوردن شام کردند. هفته بعد زمان نام نویسی برای انتخابات بود و کاندیداها دو هفته برای تبلیغات وقت داشتند، در این یک هفته باقی مانده به ثبت نام کندس شاه و طارق سرعت بیشتری به ساخت مکتب دادند و طارق به چندین نفر پول داد که در بین مردم از حسن نیت و خیرخواهی و مردم دوستی آقای کندس خواه که به تازگی وارد روستا شده تعریف کنند. شبها هم طارق به خانه ی کندس شاه می آمد و کاندیداها را به کندس شاه معرفی میکرد و آنها را برای شاه آتالیز میکرد و از گذشته و حالشان برای شاه میگفت، بعد از آن هم در مورد توقعات مردم روستا با هم صحبت میکردند و انتظاراتی که کندس شاه احتمالا در آینده با آنها رو به رو میشد. اول هفته بعد کندس شاه در ساعات آخر روز کاری به دارالخلافه برای ثبت نام رفت و بعد از تمام شدن کار والی در دارالخلافه، پیش والی رفت و از والی خواست تا در انتخابات به نفع او تقلب کند اما والی به او متذکر شد که سیستم انتخاباتی و رای شماری که خود کندس شاه در کشور پایه گذاری کرده احتمال تقلب را تقریبا به صفر میرساند و در این یک مورد شرمنده کندس شاه است. شاه هم با حالت دو نقطه خط، یک نگاه عمیق توی دوربین کرد و به روستا برگشت. حالا کندس شاه بود و مردم و صندوق های رای و دوهفته پیش رو. در راه برگشت داشت با خودش فکر میکرد اگر کدخدا نشود و ریاست نکند چگونه با این مردم سر کند؟! آن شب طارق به همراه دو پسرش «فرجاد» و «فرجام» به خانه کندس شاه آمدند تا رسماً برنامه های انتخاباتی را کلید بزنند و در اولین تصمیمی که گرفتند قرار شد عکس کندس شاه را روی تخته بکشند و برنامه های انتخاباتی شاه را نیز روی تخته بنویسند. شعار انتخاباتی هم این بود «رای ما، رای ما / کندس خواه، کندس خواه». در قدم بعدی شاه در نظر داشت یک میتینگ انتخاباتی ترتیب دهد و در درجه اول مژه دهن مردم را بفهمد و سپس آرا را جذب کند. ۱۲روز

مانده به انتخابات شاه به کمک طارق و پسرانش جلسه ای را با حضور تقریبا نیمی از مردم روستا ترتیب داد. آن شب عده ی زیادی زن و مرد در آنجا حضور داشتند و کندس شاه مسرور از این همه جمعیت و مضطرب از اینکه چگونه نظر این جمعیت را جلب کند. بعد از پذیرایی ابتدایی از حضار و خوشامد گویی طارق، حالا نوبت کندس شاه بود که پشت تربیون برود و سخنرانی کند. ابتدا با سلام و خوشامد گویی به مردم شروع کرد و سپس خطاب به جمع گفت: اااااااااا مردم! شما برای چه اینجا جمع شدهاید؟ مردم یک صدا جواب دادند: شاه! کندس شاه رو به فرجاد و کرد و با اشاره گفت بیا اینجا. فرجاد که آمد، شاه در گوشی به او گفت: الاغ، تو به اینها گفتی من امشب شام میدهم؟! فرجاد گفت: آقای کندس خواه اگر نمیگفتم امشب شام هست، دم نفر هم نمیامدان. شاه گفت: باشد، حالا برو. شاه به حرفهایش ادامه داد: ااااااااااای مردم، ما اینجا جمع شدیم چون هیچکدام از ما وضع موجود را قبول نداریم. وضع موجود وضعیست که در آن ما از حقوق مان محرومیم. آیا میدانید حقوق ما چیست؟ مردم یک صدا جواب دادند: بـــــــله. شاه گفت: خب یک نفر به من بگوید حقوق ما چیست؟ مردم همدیگر را نگاه کردند و سپس یک صدا جواب دادند: نـــــــخیر.

شاه یک نگاه به آسمان کرد و دوباره شروع کرد: حق ما این است/ که در این قریه مان/ بر سر کار روند/ همه از پیر و جوان/ بی سواد و بی عار/ همه دارند این حق/ که روند بر سرکار/ مدرک هم کشکی بیش/ نیست اندر این دار. و دگر حق اینست/ که شود آشغال جمع/ بی پول و آبونمان/ مگر مردم پول/ مفت دارند الان/ آشغال هست دیگر/ جمع آوری اش آسان. حق ما شاید این است/ که در این آب

بندان/ و در این فصل خزان/ افکنیم قلابهامان/ اندر این آب روان/ و بگیریم از آن/ ماهیانی چندان/ که از آن سیر شوند/ مردم یک خاندان. الا یا ایها المردم/ حق ما این نیست دگر/ که خورده شود حق مان. اینجا بود که یکی از میان جمع فریاد زد رای ما، رای ما / کندس خواه، کندس خواه و بعد از آن هم مردم چندبار شعار تکرار کردند. سپس یکی از میان جمع بلند شد و گفت آقای کندس خواه من بیکارم، شما برای کار من چه برنامه ای داری؟ کندس شاه جواب داد: مگر اینجا کدخدا مسئول کار پیدا کردن شما هم هست؟ و مردم باز یکصدا جواب دادند: بـــــــله. کندس شاه گفت: باشد جوان، کدخدا که شدم نیم هکتار زمین به تو میدهم که دهقانی کنی. جوان گفت: کشاورزی که کار نیست، من کار پشت میزی مخام. شاه گفت: مدرک و تخصص چه داری جوان؟؟

جمع
گفت: ااااااای مردم!
شما برای چه اینجا جمع شده
اید؟ مردم یک صدا جواب دادند:
شاه! کندس شاه رو به فرجاد و کرد
و با اشاره گفت بیا اینجا. فرجاد که آمد،
شاه در گوشی به او گفت: الاغ، تو به اینها
گفتی من امشب شام میدهم؟! فرجاد
گفت: آقای کندس خواه اگر نمیگفتم
امشب شام هست، ده نفر هم
نمیامدان.

جوان گفت: مدرکم دیپلم رديه، تخصص هم نمدانم دقیقا ینی چی؟ شما سوال بعدی ر بپرس. و شاه باز یک نگاه توی دوربین کرد و گفت: جوانک، آیا برای تو فرقی میکند که کاری که انجام میدی این طرف میز باشد یا آن طرف میز؟ در هر صورت پشت میز است دیگر، این طرف و آن طرفش فرق چندانی ندارد. جوان گفت: چهنم و ضرر، فرقی نداره، در کل آدم باحالاتی هستی ازت خوشم آمد، من تو میتینگای دگه هم همین حرف ر زدم ولی کسی جواب درست درمان نداد. و سپس بغل دستی جوان از میان جمع فریاد رای ما، رای ما/ کندس خواه کندس خواه و مردم شعار را تکرار کردند. و آنگاه مردم یکی یکی مشغول پرسیدن سوال شدند:

— آقای کندس خواه، کوچه ما آسفالت نداره.
* کدخدا که شدم، به شما قول میدهم مشکلاتان را حل کنم، اصلا آسفالت هم شد مشکل؟؟؟ شما بگو دوباند میخواهی یا چهارباند
— آقای کندس خواه، کرایه گاریها تا شهر گرانه.
* کدخدا که شدم، کرایه گاری را نصف میکنم. هفته ای یک روز هم کرایه گاری را مجانی میکنم.
— آقای کندس خواه، آخر هفته ها کرایه ها مجانی بشه
* کدخدا که شدم، آخر هفته ها کرایه ها مجانی

و ...

بعد از آن یک مرد ۴۰-۴۵ ساله از گوشه ی جمع بلند شد و گفت: آقای کندس خواه شما چه سابقه ای تو روستا داری که مخای کدخدا بشی؟ شما چه اطلاعی از روستا داری که بخای مشکلات روستا ر حل کنی؟ کندس شاه گفت: پشتوانه من اعتماد مردم است، اطلاعات من اطلاعات مردم و سابقه ی من رای مردم است. این حرفها باعث اختلاف است و اساس انتخابات آزاد را زیر سوال خواهد برد، ما همه برادریم و این صحبت ها باعث تفرقه افکنی میشود، شما اگر دین ندارید حداقل بی دین نباشید. ساخت مکتب گواه حسن نیت من است. فرجاد جان! این شام چی شد مردم منتظرند و پس از آن صدای جمعیت بلند شد: رای ما، رای ما/ کندس خواه کندس خواه بعد از آن کندس شاه هرشب به منزل یکی از بزرگان طایفه های مختلف میرفت و در مورد آینده و برنامه های پیش رو با آنها صحبت میکرد سه روز به انتخابات مانده بود و بعد از میتینگ و صحبت با بزرگان طایفه ها حالا نوبت مناظره بود، مناظره طبق روال هر سال ساعت ۱۱ شب برگزار میشد، علت برگزاری در ساعت ۱۱ شب هم این بود که ممکن بود در آن حرفهایی گفته شود یا چیزهایی نشان داده شود که برای همه مناسب

روستا با کندس شاه صحبت کرد و کندس شاه هم قبول کرد. میتینگ دوم را هم کندس شاه طبق برنامه در بین کف و سوت هوادارانش سخنرانی کرد و از آینده و امیدواری حرف زد و بعد از ناهار خوردن به مردم راهی کوچه های روستا شدند. زمان تبلیغات تمام شده بود و حالا نوبت مردم بود که تصمیم بگیرند، کندس شاه امید زیادی به کدخدا شدن داشت. جمعیت زیادی در انتخابات شرکت کرده بودند و کندس شاه هم که همان اول صبح رای داده بود، نزدیک حوزه انتخابات کنار چندتا از هوادارانش نشسته بود و وقتی میدید طرفدارانش به پای صندوق رای میآیند دلش غنچ میرفت. تا صبح روز اعلام نتایج آرام و قرار نداشت و فرجام را فرستاده بود پای صندوق که به محض اعلام نتیجه به او خبر دهد. حدودای ساعت ۷ صبح فرجام دوان دوان داشت از سمت حوزه رای گیری به سمت خانه میدوید. کندس شاه هم جلوی در ایستاده بود و دل توی دلش نبود، فرجام از همانجا پرید توی بغل کندس شاه و با خوشحالی فریاد زد: آقای کندس خواه، شما کدخدا شدی، شما کدخدا شدی.

ادامه دارد

برنرخان در روستا فامیل ندارد که آنها را به تو ترجیح دهد. تو بیشتر از همه ی مردم به او نزدیکی، در ضمن کندس خواه قدر کسانی که به او کمک میکنند را خوب میداند. والی و طارق تقریبا تا ساعت ۱۲-۱ شب در مورد سه روز باقی مانده صحبت کردند و در آخر تصمیم گرفتند، برای کندس شاه یک میتینگ دیگر ترتیب دهند، تا اگر کندس شاه در مناظره شکست خورد، دوباره فرصت صحبت کردن و جبران کردن داشته باشد. قرار شد میتینگ دوم پس فردا ساعت ۹ صبح برگزار شود و بعد از ناهار دادن به مردم، کندس شاه همراه مردم در محله های روستا قدم بزند و مشکلات را از نزدیک ببیند. طارق فردا صبح که به خانه برگشت، کندس شاه با خوشحالی به استقبالش آمد و روی طارق را بوسید و گفت: مرحبا طارق، دیشب در مناظره جواب همه را دادم، مخصوصا برنرخان، او را که اصلا ضربه فنی کردم، وقتی در مورد اختلاسش صحبت کردم و مدرک نشانش دادم، رنگ و رو نداشت. شما دیشب چه کردید؟ بیا صحبت کن ببینم برنامه از چه قرار است؟ در خانه طارق در مورد میتینگ دوم و بازدید از محله های

نباشد. ساعت ۷ بعدازظهر آن روز والی به خانه کندس شاه آمد و به همراه کندس شاه و طارق یکی دو ساعتی در مورد مناظره و حرفهایی که باید کندس شاه در مناظره میزد با هم صحبت کردند و در آنجا قرار شد فرجام و فرجام به همراه کندس شاه به مناظره بروند و در صورت نیاز فضا را به نفع کندس شاه تغییر دهند، طارق هم به همراه والی به خانه ی والی بروند و یک برنامه موثر برای سه روز باقی مانده ترتیب دهند. بعد از شام کندس شاه و فرجام و فرجام آماده بودند که به مناظره بروند، والی و طارق هم سوار کالسکه ی والی شدند و به سمت خانه والی حرکت کردند. در راه والی به طارق گفت: ببین طارق، میخواهم همانطور که چهارسال پیش به برنرخان کمک کردی که کدخدا شود، این بار هم به کندس خواه کمک کنی و البته این بار با سعی بیشتر. طارق رو به کدخدا کرد و گفت: مطمئن باش که من همه تلاشم را میکنم تا پوز برنرخان را به خاک بمالیم، مردک سه سال پیش جوری به من رکب زد که تا همین الان خانه نشینم، فقط امیدوارم کندس خواه تو زرد از آب درنیاید. والی گفت: نگران نباش، کندس خواه مثل



طرح : ابوالفضل کلاته میمری

کاشت درختان ریشه باز و عمل پرالیناژ

کم کم فصل کاشت درختان ریشه باز شروع میشود. (درختانی که قبل از بیدار شدن بهاره از محل خزانه - تولیدی نهال - به محل کاشت اصلی منتقل میشوند). این کار معمولاً از اوایل دی ماه تا نهایتاً اواخر فروردین انجام میشود

محمد رضا خورشید کلایی

در کاشت درختان میوه باید نکاتی را رعایت کرد. از جمله اینکه این درختان معمولاً پیوندی هستند یعنی یک گیاه با میوه خوب و مشخصات مورد نظر ما روی یک گیاه دیگر که ریشه‌های قوی دارد یا بومی منطقه ماست پیوند زده میشود تا خصوصیات مورد نظر ما از نظر مثلاً میوه خوب یا آفات کمتر یا ... در کنار ریشه‌های قوی برای ما تجلی پیدا بکند. محل پیوند کاملاً روی گیاه و معمولاً در درختان میوه سردسیری در ارتفاع ۱۵ یا ۲۰ سانتی متری پایین گیاه قابل مشاهده است. این محل جایی است گیاه دومی روی گیاه اولی وصل شده است. نکته مهم در کاشت درختان پیوندی این است که محل پیوند باید بالاتر از سطح خاک قرار گیرد. در صورتی که پیوند زیر خاک بماند در سالهای آتی که شاخه‌ها و جوانه‌های جانبی تولید میشوند معلوم نخواهد بود که این شاخه متعلق به پایه است یا پیوند؟ چرا

این نکته اهمیت دارد؟ زیرا شما به عنوان باغبان باید شاخه‌های روییده از پایه را قطع کنید.

چرا که این شاخه‌ها خصوصیات خوب پیوند را ندارند و باعث تلف شدن انرژی کلی درخت هم خواهند شد. علاوه بر این تماس خاک با محل پیوند ممکن است منجر به فعالیتهای عوامل بیماری زای قارچی - باکتریایی شده و پیوند بشکند

آماده سازی زمین:

فرض این است که شما میخواهید در باغچه خانه درخت بکارید. محلی که میخواهیم درخت میوه را در آن بکاریم باید دارای خاک حاصلخیز و غنی باشد. بقایای مصالح ساختمانی مانند گچ و سیمان و ... باید از باغچه خارج و مخلوط خاک زراعی مرغوب همراه با کود حیوانی پوسیده و ماسه حداقل به ارتفاع نیم در باغچه ریخته شود. اگر میتوانید پیشنهادهای باغبانها این است که بیشتر از یک و نیم متر از عمق خاک باغچه را بردارید (زیرا درختان میوه تا چند متری عمق زمین هم ریشه میدوانند) و با خاکی که مخلوطی از خاک زراعی و کود حیوانی و ماسه باشد جایگزین شود. (البته هر چقدر خاک شما حاوی باقیمانده موجودات زنده اعم از گیاهان یا جانوران - مانند پوست، مو، پودر خون، پودر استخوان و ... باشد در آینده رشد گیاهان شما به دلیل وجود مواد آلی بیشتر - بهتر خواهد بود. بهترین خاک زراعی خاکی است که رنگ آن تیره باشد و از قرمز به قهوه‌ای و سیاهی بگراید. این خاک باید از سطح زمین جمع آوری شود و به عمق بیش از سی سانتی متری نرود (خاک سطح الارض) خاک زراعی را مصالح فروشها و حمل خاکها برای شما می آورند. ولی حتماً از بهترین محل خاک را تهیه کنید. (در مناطق استثنایی کره زمین عمق خاک سطح الارض زیادت از این عدد است و بستگی به محل زیست شما دارد. ممکن است از این عدد هم کمتر باشد)؛ خاک زراعی خوب را در حالت خشک، وقتی در مشت تان بگیرید و فشار دهید به هم می چسبد و فشرده میشود ولی با یک ضربه کوچک از هم جدا شده و دوباره پودر مانند میشود. خاک زراعی بد به

شدت چسبنده است و از هم جدا نمیشود. خاک فقیر هم رنگ و روی جالبی ندارد و به زردی و خاکستری میگراید و برای باغچه خوب نیست.

آماده سازی چاله:

بعضی درختان میوه مانند گلابی یا گردو ریشه اصلی خیلی محکم و درازی دارند و برای این درختان لازم است که چاله عمیقتری کنده شود. عرض نیم متر برای مثال و عمق ۷۵ سانتی متر برای خاکی که مناسب است کنده میشود ولی اگر محل شما کاملاً نامناسب و سنگلاخی است میتوانید تا دو متر عمق و یک متر عرض بکنید و با خاک خوب پر کرده و درختکاری کنید. در کل عمق و قطر گودال باید از عمق و طول ریشه‌ها بیشتر باشد.

محل چاله باید عاری از ریشه‌های گیاهان دیگر باشد.

برای باغکاری معمولاً توصیه میشود این چاله را از پاییز بکنید و آماده بگذارید تا بهار که میخواهید کشت کنید رطوبت درون چاله افزایش یافته و موجودات ذره بینی در محل چاله آماده خدمتگزاری به نهال جدید باشند. در حال حاضر تراکتورهای مجهز به چاله کن نیز وجود دارند و میتوانند سرعت چاله کنی را چندین برابر کرده و هزینه کارگر را پایین تر بیاورند.

بهترین خاک زراعی
خاکی است که رنگ آن
تیره باشد و از قرمز به قهوه‌ای
و سیاهی بگراید. این خاک باید از
سطح زمین جمع آوری شود و به
عمق بیش از سی سانتی متری
نرود

آماده سازی نهال:

تا قبل از کاشت باید ریشه‌ها را پاشنه پوشی کرد. یعنی ریشه‌ها نباید در معرض نور و هوا باشد و بهتر است اطراف ریشه‌ها را با خاک یا ماسه یا کیسه پلاستیکی سیاه پوشانند. معمولاً شب قبل از کاشت، نهالها را در آب می‌گذارند تا ریشه‌ها به اندازه کافی آبگیری بکنند و رقابت اسمزی بین خاک و ریشه اگر بوجود آمد ریشه‌ها آب از دست نداده و خشک نشوند. ریشه‌های نهالی که می‌خرید باید کاملاً قوی و سالم باشد. در هنگام در آوردن گیاه ریشه‌ها صدمه مینند. این قسمتهای صدمه دیده را با قیچی تیز باید هرس کنید. تا سطح تماس محل زخم با خاک کمتر شده و احتمال بروز بیماریهای قارچی کاهش یابد. این عمل همچنین موجب تحریک ریشه به تولید ریشه‌های فرعی میشود. از طرف دیگر چون ریشه‌ها در اثر انتقال کم شده‌است. بهتر است حجم ساقه‌ها را نیز هرس کرد تا ریشه و ساقه متناسب باشند. در صورتیکه محل شما بادگیر است. همراه با نهال یک قیم محکم نیز کنار نهال قرار دهید تا باد نهال را خم کرده و نشکند. و این قیم ممکن است لازم باشد چند سال در کنار نهال باقی بماند. همچنین نهال میوه را معمولاً کوتاه نگه میدارند تا عمل میوه چینی راحت باشد. برای این کار مثلاً در مورد سیب ساقه اصلی را پس از کاشت تا ۸۰ سانتیمتر بالای محل پیوند نگه داشته و بالاتر از آن را حذف میکنند. این کار باعث میشود ساقه‌های جانبی به شکل یک جام رشد کرده و نور کافی به درون شاخه‌ها برسد.

طراحی و اجرای انواع فضای سبز

شهری - خانگی - کارخانجات
پارک - باغ - بام سبز و...



مشاوره و احداث باغ های میوه

مشاوره و احداث سالن قارچ دکمه ای

مشاوره و احداث فارم ورمی کمپوست

تامین گیاهان زینتی، درخت، درختچه و گل های آپارتمانی



محمدرضا خورشید کلایی

۰۹۳۶۲۰۴۰۰۶۸

عمل پرالیناژ:

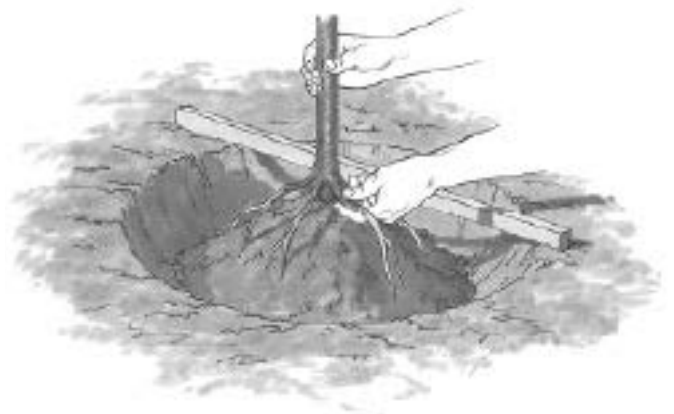
در مقیاس بزرگ برای اینکه درصد موفقیت کاشت درختان بیشتر شود، پرالیناژ تمهیدی است که کمک زیادی به باغبان میکند. این عمل عبارت است از آغشته کردن ریشه نهال به موادی چسبنده و ضد عفونی کننده. در یک بشکه ۱۰۰ لیتری آب مقدار ۱۰ کیلوگرم رس الک شده + ۵ کیلوگرم پهن الک شده + ۳۰۰ گرم سم قارچ کش مانند بنومیل مخلوط میکنند و ریشه نهال را درون آن فرو برده و سپس میکاردنرس و پهن به ریشه ها میچسبد و به دلیل خاصیت های مختلفی که خداوند به آنها داده موجب ترمیم زخم های ریشه و حفظ رطوبت اطراف ریشه و تامین مواد غذایی اولیه مورد نیاز ریشه میشوند. سم قارچ کش نیز که فعالیت قارچها را در اطراف ریشه کم میکند. این عمل در هر مقیاسی قابل انجام است و شما میتوانید به جای ۱۰۰ لیتر آب از ۱۰ لیتر آب + ۱ کیلوگرم رس + نیم کیلوگرم پهن + ۳۰ گرم سم قارچ کش استفاده کنید برای کاشت چند نهال از این مخلوط استفاده کنید.



عمل پرالیناژ

انجام کاشت نهال:

بعد از کندن چاله، مهم طرز و محل قرار گیری نهال است. محل پیوند باید حدود ۱۵ سانتیمتر (یکم بالا پایین اشکال ندارد) بالاتر از سطح خاک قرار گیرد. ریشه ها باید به صورت مرتب در خاک قرار گیرند و پیچیده و در هم نباشند. برای اینکار معمولاً مقداری خاک به صورت کله قندی در ته چاله میریزند و ریشه های نهال را روی آن مرتب رو به پایین میگذارند. روی ریشه ها را با خاک خوب سطح الارض میپوشانند و میتوانید اطراف نهال را به صورت کاسه مانندی شکل بدهید تا آب در آن خوب جای بگیرد و به مرور ته نشین شود. نهال را به صورت عمود بر سطح قرار داده و تراز بودن آن را از دو طرف چک کنید، قبل از آبیاری خاک اطراف نهال را معمولاً با ضربات پا محکم میکنند و بلافاصله آبیاری انجام میشود.



iCloud: اپل همیشه دیکتاتوری بود حتی تو قسمت آی کلود! پس آپلود توی آی کلود فقط از طریق محصولات اپل وجود داره، اما کار جالب اپل استفاده از آی تیونز که داشتن بک آپ کامل از اطلاعات کاربران، این اطمینان رو به کاربرانش داده که مواقع نابودی و پودر شدن گجت، اطلاعات و آپ ها و حتی تنظیمات گجت وجود داره! چون اپل این کارو به طور خودکار انجام میده فقط کافیه گوشی به اینترنت وصل باشه؛ اپل بعضی جاها پشتیبان نرم افزارهاش، مثلاً بعضی شرکت های سازنده بازی مراحل ذخیره شده بازی رو روی آی کلود ذخیره کرده و ادامه بازی از هر جایی امکان پذیره. همچنین اپل قصد داره پروژه شکست خورده iWork رو به آی کلود انتقال بده تا کاربرانش از هر دستگاهی اسناد جدید ایجاد کرده یا اسناد قدیمی رو ویرایش کنند. امکانات آی ورک درواقع Keynote (ارائه مطلب) و Pages (ویرایش متن) و Numbers (صفحه گسترده) هستن.



Astro File Manager

این اپ رابط کاربری جذاب داره و به انواع حساب های کاربری در فضای ابری نیز متصل میشه. اپ Astro File Manager این امکان رو به کاربرانش داده که به تمامی فایل های شان مثل موسیقی ها، فیلم ها، عکس ها و... دسترسی داشته باشند، اونارو جابهجا کنند و یا با ارتباط بلوتوث واسه دوستان شان ارسال کنند. طبق گفته شرکت سازنده، امکان نصب این اپ روی بیش از ۹۰ درصد تلفن های هوشمند اندرویدی وجود داره.

qqt.ir/asrto

باید به جرات بگم سایجیک بهترین اپ مسیریابی و مکان یابی اپل! این اپ سخنگو علاوه بر اینکه مسیر و شهرو به صورت ۳D نمایش میده، فاصله و زمان رسیدن از مبدأ به مقصد - اطلاعات جاده (سرعت مجاز در نقاط، پمپ سوخت، تعمیرگاه و...) - اطلاعات ماشین رو در اختیار کاربران قرار میده! همچنین سایجیک این امکان رو داره که هتل ها، مسجد، مرکز خرید، پارک ها، موزه ها و... هر شهر رو روی نقشه نشان بده و شما مکان های مورد نظر رو علامت گذاری کنید. شاید جالب باشه که بدانید این اپ نقشه ی آنلاین داره و به صورت آنلاین در خدمت کاربران و جالب تر از اون اینه که قیمت این اپ ۳۴,۹۹ دلار!

برای گوشی های جیبلریک نشده: qqt.ir/sygic
برای گوشی های جیبلریک شده: qqt.ir/sygic-j



مسنجر IM+ Pro به مسنجر قوی و کامله که این نرم افزار امکان این رو داره که به اکانت های MSN - Yahoo - GTalk - ICQ - Skype - Facebook - Twitter و... دسترسی داشته باشید و با دوستانتان به چت متنی و صوتی بپردازید! ذخیره متن چت رو کارت حافظه - چت گروهی - اطلاع از تایپ کردن شخص مقابل (Typing notifications) - امکان ارسال فایل - اضافه کردن لیست مخاطبین به نرم افزار در صورت استفاده از این اپ - قرار گرفتن پیام های نرسیده در صف ارسال - امکان قرار دادن رمز روی اپ و... از قابلیت های این اپ ۱ دلار!

برای گوشی های جیبلریک نشده: qqt.ir/im-pro
برای گوشی های جیبلریک شده: qqt.ir/im-pro-j

کلمه ابر، یک کلمه استعاری از اینترنت و توی نمودارهای شبکه های رایانه ای از شکل ابر واسه نشان دادن شبکه ی اینترنت استفاده می شه. فضای ابری یا Cloud Drive یک سرویس تحت وبه که فضایی رو در یک سرور راه دور (Remote server) برای تان ایجاد می کنه. کاربرد و فایده ی فضاهای ابری که از طریق اینترنت توسط نرم افزارهای مورد استفاده کاربران، قابل دسترسی، در Backup گیری از فایل هاس. در واقع شرکتی که این فضای ابری رو ارائه کرده، مقدار محدودی فضای رایگان برای ذخیره سازی اطلاعات موبایل، تبلت، لپ تاپ و... روی فضای اینترنت بصورت آنلاین در اختیار تان قرار داده و در صورت نیاز به استفاده از فضای بیشتر، با پرداخت مبلغی ماهیانه یا سالیانه، این فضا در اختیار شما قرار می گیره. ذخیره سازی اطلاعات روی ابرها بدون شک مطمئن ترین راه ممکن برای تهیه نسخه پشتیبان از اطلاعات و به اشتراک گذاری شان به حساب میاد چون با امکانات سرویس دهنده ها و پشتیبان گیری خودکار از اطلاعات توسط فضای ابری خیال کاربر از داشتن و امن بودن اطلاعاتش راحت تره و اگر نیاز به اشتراک گذاری فایل با حجم کم یا زیاد باشه، این کار هم از وظایف فضای ابریه. ارزان بودن و یا حتی رایگان بودن یکی از ویژگی های فضای ابری به حساب میاد، اما با این سرعت اینترنتی که اپراتورهای شبکه های موبایل (GPRS، ۳G و Edge) و وایمکس و ADSL داره، شاید امکان نداشته باشه پوشه هایی با حجم زیاد رو توی این حافظه ها بارگذاری کنیم؛ ولی این امکان هست که از اسناد مهم عکس گرفت و یا پوشه ها مهم چند مگابایت رو توی این حافظه ها آپلود کرد. اما با بالا رفتن سرعت اینترنت موبایل و حتی اینترنت های خانگی توی ایران، امکان استفاده از این فضاهای راحت تره و شاید در آینده با بالا رفتن سرعت اینترنت ها (۴G)، دسترسی به این فضاهای محبوبیت شان توی ایران بیشتر شه!

امنیت فضای ابری:

از نظر کارشناسان زمینه ی IT مهمترین مشکل سال ۲۰۱۳ امنیت فضای ابریه، با این حال هر روزه شرکت های مختلف مثل ال جی آماده پیوستن به فضاهای ابری شده که اطلاعات شان بیشتر و دسته بندی باشه! شورای نوآوری امنیت تجاری با اینکه امنیت رو مهم ترین نگرانی عنوان کرده اما هر روزه اعتماد به فضای ابری در حال افزایشه؛ شاید داشتن پرتکل https یکم خیال کاربرو از امنیت فضای ابری راحت کنه اما فضای ابری فناوری نو و در حال تکمیل بوده و به همین دلیل بهتره هر چیزی ابری نشه، فقط فایل های مورد نیاز.

Sky Drive: اسکای درایو مایکروسافت چیز جالبی نداره، اما فضایی که داره (۷GB) نسبت به فضای ۵ گیگی گوگل و اپل بیشتره! با اسکای درایو این امکان وجود داره که اطلاعات اکانت مایکروسافت، ایمیل، مخاطبین و... روی فضای ابری داشته باشید و همچنین با وارد شدن به اکانت مایکروسافت از طریق نرم افزارهای مجموعه آفیس ۲۰۱۳ امکان ذخیره مستقیم فایل ها روی فضای ابری و امکان ویرایش آنلاین و بدون نرم افزار روی فضای ابری وجود داره! اشتراک گذاری فایل ها و فولدر ها توی این سرویس هم به سه روش ایمیل کردن، فرستادن به شبکه های اجتماعی و ساختن لینک امکان پذیره. شاید به وقت جایی باشید و فایلی از سیستم خودتان لازم داشته باشید، اسکای درایو این امکان رو فراهم کرده که به هارد سیستم های متصل به اکانت دسترسی داشته باشید.

Google Drive: گوگل با تبدیل کردن سرویس Docs به Drive کار جالبی رو انجام داده، با امکانات جالب تر! مثل ویرایش آنلاین فایل ها بدون نیاز به نرم افزار، امکان دسترسی آنلاین به فایلها با یک تنظیم ساده، تشخیص متن های داخل عکس، همگام بودن با جی میل و پلاس و...! گوگل این امکانو داره که توی جی میل و پلاس، امکان استفاده از فایل های گوگل درایو وجود داشته باشه! امکان جالب گوگل درایو باز کردن بیش از ۳۰ فرمت فایل ها بدون نرم افزار فقط از طریق مرورگر! البته تا این لحظه دسترسی به گوگل درایو توی ایران امکان پذیر نیست! (حتی با نرم افزارهای استکباری)

رایانش بر فراز ابرها

اگر این چند وقت توی اینترنت گشت و گذار کرده باشید و سایت های مختلفی رو دیده باشید حتما اسم یا رسمی از فضای ابری دیدید یا شنیدید، شاید هم یکی از دوستان و آشنایانتان از فضای ابری حرف زده و شما کنجکاو شدید که این فضای ابری چی هست اصلاً؟ کارش چیه؟ به چه دردی میخوره و خیلی سوالا! شاید جواب کوتاهش «آینده ی انتقال و نگهداری اطلاعات باشه» اما توی این مطلب این سوالات کامل تر جواب داده شده و ۳ فضای ابری معتبر هم معرفی شده.

محسن حمزه ای

از زبان دوربین



{ مسجد جامع محمدآباد؛ ماه مبارک رمضان }



{ مراسم شبی با قرآن؛ ۲۷ ماه مبارک رمضان }



{ تقدیر از تعدادی از جانبازان در روز جانباز }



{ زنجیرزنی هیئت جان تشاران }

{ صاحب الزمان (عج) در روز عاشورا }

{ استقبال از کاروان دکتر روحانی،
در سفر تبلیغاتی به گرگان، توسط
اهالی روستای محمدآباد }





خدمات کامپیوتری و کافی نت

پاسارگاد

Pasargad

CS & CN

آدرس: محمدآباد - روبروی کتابخانه



فروش بازی و نرم افزار



نصب ویندوز



شارژ



فتوکپی



تایپ



پاورپوینت



فروش فیلم



پرینت



ثبت نام اینترنتی



دانلود



ترجمه



اسکن



طراحی
بدر - کارت - سایت



طراحی
بروشور - کاتالوگ



راه اندازی سایت



ویروس کشی



رایت CD - DVD



فروش انیمیشن



فروش لوازم جانبی



فروش و تعمیر
کامپیوتر و لپ تاپ

+

خورشید کلایی ۰۹۳۶۲۰۴۰۰۶۸

۰۹۱۱۹۰۰۱۳۷۲ حمزه ای